

نبرد خلق

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

شماره ۳۵۳
دوره چهارم سال سی و یکم
اول آذر ۱۳۹۳

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمقاله

"توافق فراگیر" در صندوق انتخابات آمریکا

یادداشت سیاسی ...

خروجی مذاکرات، کدام سناریو: کش دادن، جام زهر یا توافق بد

مهدی سامع

صفحه ۲

منصور امان

در گرماگرم مذاکرات هسته ای و به شماره افتادن زمان سنج دستیابی به "توافق فراگیر"، انتخابات سنا و کنگره آمریکا بعد تازه ای به این پروسه داد. همچنانکه پیروزی جناح راست طبقه ممتاز آمریکا نگرانی در باره سرنوشت توافق احتمالی را دامن زده، از سوی دیگر فشار بر حزب حاکم دموکرات را برای به سامان رساندن این پروژه مهم در سیاست خارجی خویش افزایش داده است.

پُر رنگ شدن نقش سیاست خارجی پس از شکست

کمی بیش از دو سال دیگر، وقتی انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا برگزار می شود، حزب دموکرات آمریکا با دستهای خالی پا به رقابت خواهد گذاشت. سرمایه ای که آقای اوباما برای حزب خود به جا می گذارد، به گونه اسف باری ناچیز است. شعار "آری، ما می توانیم" او که توانست انرژی اعتراضی علیه بحران سرمایه داری و فُمارخانه های مالی آن را به سمت خویش جهت دهد، در عمل ارزشی فراتر از گزافه گویی رایج آگهیهای بازرگانی نیافت. اگر چه هجوم بی وقفه و سنگین محافظه کاران سنتی و جدید و راست افراطی در عقب راندن آقای اوباما نقش به سزایی ایفا کرده، با این حال وی نیز نشان نداده که حاضر به ایستادگی جدی در برابر آنها است. بر این اساس و در سایه ناکامیهای داخلی، پهنه سیاست خارجی برای کاخ سفید رنگ و مفهوم متفاوتی پیدا کرده است و پندار کسب امتیاز از آن برای پُر کردن خُفَره هایی که در خانه به جا گذاشته شده، هر طرح و تدبیر در این میدان را همراهی می کند؛ انگیزه ای که به گونه دو چندان سیاست آن در برخورد به بحران هسته ای مَلاها را نیز به پیش می برد.

بقیه در صفحه ۳

اخبار کارورزان سلامت

امید برهانی

صفحه ۱۳



قانون کار در دست مجلس نشینان علیه کارگران

زینت میرهاشمی

صفحه ۳

رقص سرباز و شیخ

امید برهانی

صفحه ۸

صادق هدایت، طلایه دار نسلها

م. وحیدی

صفحه ۱۲

چالشهای معلمان در آبان ماه

فرنگیس باقره

صفحه ۹

زنان در مسیر رهایی

سپیده سرشار

صفحه ۱۰

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

صفحه ۱۷

جهان در آینه مرور.....

۲۵ سال پس از فرو ریختن دیوار برلین، پایان جنگ سرد و "پایان تاریخ"

لیلا جدیدی

صفحه ۶

خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۹)

شهره صابری

صفحه ۷

"حجم و هن"

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۷

درگذشت مجاهد خلق فریده ونایی در آلبانی

صفحه ۱۶

درگذشت

مجاهد قهرمان، میر یعقوب ترابی

صفحه ۱۶

برخی از حرکت‌های اعتراضی

کارگران و مزدبگیران

در آبان ۱۳۹۳

زینت میرهاشمی

صفحه ۱۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنوشتی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

خروجی مذاکرات، کدام سناریو: کش دادن، جام زهر یا توافق بد

مهدی سامع

جهانی را مطمئن سازند، و در شیوه ای گام به گام و قابل تایید، به آنها اجازه داده شود از زیر فشار تحریمها بیرون آیند و دوباره به یک عضو کامل جامعه بین‌المللی تبدیل شوند». (صدای آمریکا، پنجشنبه ۲۲ آبان)

مسئله مهم در «چارچوبی» است که فعلاً از نگاهها پنهان است. اگر این چارچوب بخشی از تشریفات نوشیدن جام زهر باشد، می‌توان آن را جزیی از برنامه مهار ماجراجویی اتمی دانست. برداشت کیهان شریعتمداری از چارچوب پیشنهادی اوپاما همین است. محمد ایمانی در یادداشت روز سه شنبه ۲۰ آبان این روزنامه تحت عنوان «مذاکرات از کجا منحرف شد؟»، نوشت: «مذاکرات مسقط مثل مذاکرات وین و ژنو و نیویورک محرمانه خوانده شد و جز چند تصویر و فیلم کوتاه که نیاز آمریکا را مرتفع می‌کرد، هیچ خبر و گزارش معتبری منتشر نشد اما می‌توان از افق ژنو، پشت درهای بسته کاخ بوستان مسقط را دید... در عین حال یک پرسش هرگز کهنه نخواهد شد و آن این است که این مذاکرات نسبت به چه کسانی محرمانه است و نامحرمان چه کسانی هستند؟! ...محرمانه نامیدن مذاکره کدام منظور را دنبال می‌کند؟ آیا قرار است سرمان - یا سر صاحب نظرانمان - را زیر برف کنیم یا عوام و خواص خود را مانند توافق بد ژنو در مقابل عمل انجام شده قرار دهیم؟!»

اما برداشت دیگری هم وجود دارد و آن این است که چارچوب پیشنهادی به جای آن که جزیی از برنامه مهار باشد، گام مهمی در مسیر ممانعت و بخشی از پروژه «شراکت» که در عمل موجب ساختن بمب اتمی می‌شود، باشد. ممکن است این چارچوب در متن فرمول «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» جاسازی شود. در هر صورت توافقی که در مسیر ماجراجویی خامنه ای موانع جدی ایجاد نکند، هیچ کمکی به صلح و آزادی نکرده و به مردم ایران و خلقهای خاورمیانه بیشترین زیان را خواهد رساند.

سناریوی سومی هم وجود دارد که آن را «توافق بد» می‌نامند. موحدی کرمانی در نماز جمعه روز ۲۳ آبان ضمن رَجَز خوانی در مورد این که ولایت خامنه ای «حتی یک قدم از توسعه و غنی سازی اورانیوم عقب نشینی نخواهد کرد» در مورد این سناریو گفت: «اوپاما و کری می‌گویند عدم توافق بهتر از توافق بد است، ما هم می‌گوییم همینطور، ما هم می‌گوییم عدم توافق بهتر از پذیرش زور، قلدوری و تحمل پیشنهادهای ظالمان آمریکاست.» (رادپو معارف)

به گمان من موحدی کرمانی یا ریاکاری می‌کند و یا از مرحله پرت است. توافق بد در حقیقت آن توافقی است که در مقابل مسیر خامنه ای برای دستیابی به سلاح اتمی موانع جدی ایجاد نکرده و تنها این مسیر را کمی ناهموار کند. این که برای وزیر امور خارجه آمریکا «قابل درک نیست که چرا نشان دادن صلح جوانانه بودن یک برنامه باید این قدر طول بکشد»، بدین علت است که شاید آقای وزیر در این توهم است که گویا خامنه ای به دنبال استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی است و مشکل فقط نشان دادن این امر است. اگر چارچوبی که اوپاما به خامنه ای

پیشنهاد کرده، بر اساس توافق بد نهایی شود، خامنه ای برنده این جدال خواهد بود. اوپاما می‌گوید: «ما چارچوبی به ایرانها پیشنهاد کرده ایم که به آنها اجازه خواهد داد نیازهای صلح آمیز انرژی خود را تامین کنند و اگر آن چه رهبری آنها در عدم علاقه به ساخت جنگ افزار هسته ای می‌گوید درست باشد، راهی در پیش رو دارند تا جامعه

در کرملین بماند و از دور صحنه مذاکرات را زیر نظر داشته باشد. سخنان وزیر خارجه انگلیس مبنی بر وجود «مسائل پیچیده» و «اختلافات عمده ای که میان طرفین باقی مانده» این گمان را تقویت می‌کند که برای به صحنه آوردن نمایش «برد- برد» شاید لازم باشد به جای توافق جامع، فعلاً به کپی جدیدی از توافق ژنو قناعت شود.

محمد صرفی، سرمقاله نویس کیهان شریعتمداری، این سناریو را چنین توصیف می‌کند: «فضا و روند گفت و گوها حاکی از آن است که به احتمال قوی در پایان ضرب الاجل سوم آذر، اعلام خواهد شد که توافقی کلی صورت گرفته و به نتیجه رسیدن در باره جزئیات آن به آینده موکول شده است. در یک توافق کلی هرکسی می‌تواند برداشت خود را از موضوع داشته باشد، دولت یازدهم می‌تواند جشنی برپا کند و آن را فتح الفتوح بنامد و آمریکاییها هم می‌توانند ادعا کنند فعالیت هسته ای ایران را متوقف کرده اند و جشن بگیرند.» (پنجشنبه ۲۹ آبان)

سناریو دیگری هم وجود دارد که شاید کیهان شریعتمداری از آن غافل باشد. هرچند که چنین غفلتی بعید است، اما چرخ گردون بازیچه های بسیار دارد و در حالی که توپ از زمین ولی فقیه خارج نمی‌شود، خامنه ای تن به «نرمش» البته «قهرمانانه» دهد. اگر خامنه ای چنین تصمیمی گرفته است، عاقلانه این بود که در مسقط و در روز دوشنبه ۱۹ آبان این «قهرمانی» خود را با استناد به نامه های اوپاما، نمایش می‌گذاست.



چشم انداز مذاکرات اتمی در پایان روز جمعه ۳۰ آبان چندان روشن نیست. در تهران خوش بینان برای «جشن ملی» (نام جدید «نوشیدن زهر») آماده می‌شوند و بدبینان به دنبال شمارش دلراهای خود هستند. شدت پنهان کاری آن چنان است که خطیب نماز جمعه تهران، آخوند احمد جنتی هم با لکنت زبان می‌گوید: «من واقعاً نمی‌دانم درباره هسته ای چی بگم چون نمی‌دانم چی! چه خبره! مسائلی است که بعضی اش گفته می‌شود، بعضی اش گفته نمی‌شود! شاید هم صلاح نباشد گفته بشود، حالا من نمی‌توانم بگم چرا نمی‌گند، ممکنه بعضیها [جمله ناتمام جنتی] خوب همه مسائل اینجور نیست که بشه گفت.» (رادپو معارف، جمعه ۳۰ آبان ۱۳۹۳) جنتی ضمن تذکر به مذاکره کنندگان که «مواظب باشند زیر بار ذلت نروند» به فراوانی به تعریف و تمجید از آزادل و اوپاش موسوم به بسیج و سرکرده آنان می‌پردازد و از نمایندگان مجلس ولی فقیه به خاطر رای ندادن به وزیر پیشنهادی روحانی ستایش و رای منفی عمده و آکره خامنه ای را دلیلی بر استقلال آنها اعلام می‌کند. البته او به روی مبارک نمی‌آورد که محمود احمدی نژاد بارها همین مجلس نشینان را سبک یک پول کرد.

به هر حال مذاکرات اتمی در چنین حال و هوایی جریان دارد. چندی پیش حسن روحانی در مصاحبه ای در رقابت با احمدی نژاد تحریمها را «سلاحی زنگ زده» دانست. به نظر می‌رسد که نه فقط «قطعهنامه دان» شورای امنیت ملل متحد «پاره نشده» [از سخنان شیرین احمدی نژاد] بلکه این سلاح زنگ زده چنان مجاری تنفسی ولایت خامنه ای را فشار داره که کارگزاران نظام به تکرار خواستار لغو همه ی تحریمها می‌شوند و این مساله به یکی از مهمترین چالشهای مذاکره کنندگان تبدیل شده است.

در حالی که فقط سه روز به موعد تعیین شده برای «توافق جامع» مانده، نشست سه جانبه کری، ظریف و اشتون در وین در روز پنجشنبه ۲۹ آبان بدون هرگونه خبر رسانی پایان یافت و در حالی که قرار بود ظریف به تهران و کری به پاریس مسافرت کند، هر دو در وین ماندگار شدند تا شاید در مذاکرات سه جانبه و چند جانبه راهی به سوی تفاهم گشوده شود. در این میان سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه ترجیح داد

"توافق فراگیر" در صندوق انتخابات آمریکا

بقیه از صفحه ۱

در چشم اندازی که انتخابات اخیر در برابر آقای اوباما گشود، امکان استفاده از این هرم با دشواریهای معینی روبرو است، بدین گونه که جمهوریخواهان از این پس خواهند توانست به طور مستقیم در پروسه مذاکرات و توافق احتمالی تأثیرگذاری کنند.

مستقل از آنکه تعیین تکلیف بخشی از تحریمها در اختیار آنها قرار دارد، آنان با داشتن اکثریت در هر دو مجلس می توانند با وضع تحریمهای جدید، به مذاکرات واشنگتن با رژیم مَلاها جهت هم بدهند. مفهوم شکل گیری وضعیت جدید در این صحنه، اجبار و وابستگی هر چه بیشتر کسب به کسب

دستاوردهای کم پذیر و قابل خرج در مذاکرات هسته ای است و بازتاب مادی آن در شکل تلاش برای به نتیجه رساندن فرایند آغاز شده و نقطه پایان نهادن بر آن در دوره باقی مانده و نیز دخالت دادن نظرات و خواسته ای جمهوریخواهان برای جلب تفاهم آنان پدیدار خواهد شد.

جنگ زرگری محافظه کاران

تجربیات گذشته نشان می دهد که گذر از تنگه محافظه کاران یک ماموریت بسیار دشوار خواهد بود، بیش از همه از آن رو که شواهد زیادی مبنی بر خواست آنها برای پایان دادن واقعی به بحران هسته ای مَلاها وجود ندارد. بخشهای اقتصادی و مالی ای که آنها نمایندگی می کنند، از جمله صنایع میلیتاریستی، بخشهای امنیتی و شبکه پیمانکاران مربوط، منافع چندانی در فرونشستن کانونهای بحرانی ندارند. برعکس، آنها بیشترین سود را از وجود بحرانهای کوچک و بزرگ در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین به دست آورده اند. این ویژگی در مورد خاورمیانه با جذابیت وجود کشورهای نفت خیز و پترو دلارهای سرگردان، با قاطعیت بیشتری در محاسبات در نظر گرفته می شود.

برای آنها تلاش ماجراجویانه رژیم مَلاها برای کسب بُمب اتمی و یا سیاست ایجاد "عقبه استراتژیک" و مداخله گری که به تنش بی پایانی در منطقه انجامیده، یک منبع پُر برکت تغذیه بوده و همچنان نیز هست.

رد پای این رویکرد را در برخورد آقای جورج بوش (پسر) با بحران هسته ای جمهوری اسلامی در دوران هشت ساله ریاست جمهوری اش (۲۰۰۹ - ۲۰۰۱) می توان مشاهده کرد. در این دوره ماراتنی از مذاکرات فرسایشی و بی حاصل، گام به گام رژیم مَلاها را در گسترش توان و امکانات بیشتر تولید بحران همراهی کرده است. مَلاها در زمینی که واشنگتن خط کشی کرده

بود، با آسودگی مشغول بازی موش و گربه بودند و بدون روبرو شدن با پیامدهای جدی اقدامات خود و یا حتی نگرانی در باره آن، برگرهای بیشتری به پرونده اتمی شان می افزودند.

این در حالی بود که آقای بوش و اعضای دولت در استفاده از کلمات تند و ادبیات جنگی علیه جمهوری اسلامی و رهبران آن به هیچ وجه از خود خست نشان نمی دادند. آنها مَلاها را با تشریفات کامل به عضویت "محور شرارت" در آورده بودند و جز این نیز یک جنگ لفظی تبلیغاتی و پُر سروصدا را پیش می بردند که هر بار از تهدید به حمله نظامی تا استفاده از بُمب اتمی تاکنیکی، شاخ و برگ بیشتری به آن داده می شد.

در حقیقت اما قابل ذکر ترین اقدامات عملی دولت بوش در خلال هشت سال به تحریم چهار بانک کم اهمیت در سیستم مالی جمهوری اسلامی و ۲۷ شخص و سازمان محدود می گردید. در این دوره، برخلاف عبارت پردازیهای مُستمر در باره تهدید دستیابی بُنیادگرایان به سلاح هسته ای و ضرورت اقدام فوری برای جلوگیری از آن، منابع مالی آنان دست نخورده باقی ماند و فعالیت اصلی ترین کانالهای قاچاق و پولشویی آنها کماکان جریان داشت.

دوگانگی سیاست واشنگتن در برابر حاکمان ایران و نتایجی که از آن می چُست، بدیهی است که از چشم شرکای اروپایی آمریکا پنهان نمی ماند. آنها نیز به نوبه خود ضمن ابراز نگرانی از پروژه اتمی مَلاها و شرکت مُنظم در تشریفات مُذاکره، سهم خویش از کیک هسته ای را به خانه پارو می کردند.

راست آمریکا به جای حل بحران آن را دستکاری می کرد، به گونه ای که نه خاموش گردد و نه به نقطه خطرناک و برگشت ناپذیر برسد.

تحریمهای فلج کننده از راه می**رسد**

با به قدرت رسیدن دموکراتها که موفقیت خود را بیش از همه مدیون آشکار شدن سیاستهای زیان بار دولت بوش برای طبقه حاکم و تمایل غمومی به تغییر بودند، روند یاد شده چرخش توجّه پذیری یافت. پرونده هایی که دولت بوش از خود به جا گذاشته بود، می بایست حل و فصل می شدند و دموکراتها خود را از سنگینی بار آنها می رها کردند.

تنها یکسال پس از به دست گرفتن امور در واشنگتن توسط آقای اوباما، نشانه هایی از تغییر درونمایه ای شیوه برخورد آمریکا با بحران هسته ای مَلاها پدیدار شد. در سال ۲۰۱۱، آمریکا بانک

مرکزی جمهوری اسلامی را مورد تحریم قرار داد و دادوستد با آن را مشمول مجازات کرد. این یک علامت روشن از هدف گرفته شدن کانون تغذیه فعالیتها هسته ای حاکمان ایران و حرکت در جهت قطع شریانهای حیات بحران ناشی از آن بود؛ یک ارزیابی که اقدامات بعدی کاخ سفید آن را تأیید کرد.

از این زمان تا پیش از وادار شدن "نظام" به عقب نشینی و "ترمش قهرمانانه" در سال ۱۳۹۲، تحریمهای بین المللی به گونه فزاینده و موثر افزایش یافته اند. در این میان میزان فروش نفت رژیم مَلاها همچون رژیم آقای صدام حسین، نه فقط از سوی طرفهای خارجی تعیین می شود، بلکه آیت الله خامنه ای و همدستانش به درآمدهای کسب شده از این راه نیز فقط به صورت پایاپای و در برابر کالا دسترسی دارند.

به این ترتیب آقای اوباما حلقه اصلی زنجیره بحران هسته ای را به دست گرفته و این امر تا پیش از انتخابات اخیر دو مجلس آمریکا، به گونه توجّه پذیری کمکی می کرد تا میدان مانور وی در برخورد به رژیم مَلاها چه به صورت برداشتن گامهای تدریجی و چه در قالب توافقهایی مرحله ای گسترش یابد. اینک با باز شدن راه جمهوریخواهان به فضای مزبور، امکان تحرک کاخ سفید به گونه لمس پذیری کاهش یافته است. آقای اوباما از یک طرف ناچار است پروژه پایان دادن به بحران هسته ای مَلاها را سرعت ببخشد و از سوی دیگر برای به سرانجام رساندن آن گریزی از سازشهای موردی با رقبایش ندارد. در هر دو وجه، تنگنای یاد شده به مفهوم زیر فشار رفتن دولت وی و از این رهگذر انتقال فشار به رژیم مَلاها می باشد.

احضار روح ترکمَنچای

رهبران و پایوران جمهوری اسلامی پیامد مادی آرایش سیاسی جدید در واشنگتن را می توانند حدس بزنند و از سخنانی که حُجّت الاسلام روحانی پس از مذاکرات مسقط، پایتخت عُمان، ایراد کرد، می شود برگرفت که آن را به خوبی حس کرده اند. او شکایت کرد: "اگر یکی از کشورهای عضو گروه ۵+۱ مُشکلاتی در داخل دارد و در انتخاباتی برنده یا بازنده شده است، به ما ربطی ندارد و هر کشوری باید مُشکلات داخلی اش را درون خود حل کند."

او با نگرانی افزود: "کشورها نباید مُشکلات داخلی خود را در مذاکرات وارد کنند. این موضوع قانونی و منطقی نیست و همه اعضای ۵+۱ باید به مصالح بلندمدت کشورها و منطقه توجّه کنند."

آقای روحانی توضیح نداده است که آمریکا از چه طریقی و به بیان دقیق تر، به وسیله چه شرطها و پیشنهادهایی

"مشکلات" خودش را به مذاکرات "وارد" کرده، در عوض اما رییس کمیته هسته ای مجلس مَلاها می گوید که ایالات مُتحدّه در مسقط قراردادی را پیشنهاد کرده که یک "ترکمَنچای هسته ای" است. آقای ابراهیم کارخانه ای اجزای اصلی این قرارداد را چنین برشمرد: "محدود کردن تعداد سانتریفیوژها در حد چرخش دکوری، تعطیلی طولانی مدت آب سنگین اراک و بازرسیهای نامحدود و سر زده از تالیسات هسته ای و نظامی."

با توجه به تلاش سخت کوشانه "نظام" برای پنهان نگه داشتن مذاکرات و توافقات از چشم داوری جامعه، اطلاعات جسته و گریخته ای که به گونه مُدبریت شده درز داده می شود، به دشواری می تواند پایه ارزیابی در باره آن قرار گیرد. با این حال اگر اصل ناخشنودی آقای روحانی و مضمون اخبار مقام مجلس در کنار هم گذاشته شود، می توان نشانهای نزدیک شدن هنگام "تصمیمهای سخت" را تمیز داد. این امر برخلاف آنکه رهبران و پایوران حکومت وانمود می کنند، یک مساله غیرمُنتظره نیست و از همان هنگام که آنها در ژنو پای میز مُذاکره نشاندند، موضوع گفتگو چیزی جز پایان شفاف و قابل راستی آزمایی تلاش آنان در جهت دستیابی به جنگ افزار اتمی نبوده است.

بنابراین علت پراشتفتگی آقای روحانی و احضار روح "ترکمَنچای" به پای میز مُذاکره نه طرح موضوع آن، بلکه ایجاد غیرمُنتظره مانع بر سر راه گرد کردن آن است که در شکل انتخابات کنگره و سنای آمریکا پدیدار شده است.

نقشه راهی که حکومت از مسیر مطلوب مذاکرات و کنشکش هسته ای ترسیم کرده و وزارت خارجه آن در ابتدای مهر ماه به گونه ناخواسته فاش ساخت.

آرگان مزبور که در پس نام چند سینماگر خود را استتار کرده بود، در یک کمپین تبلیغاتی برای مخاطبان خارجی، حل نهایی و "فراگیر" بحران هسته ای را زیر محمل "هر توافقی بهتر از عدم توافق است" به کنار زد و به این وسیله تابلوی رژیم برای افکندن پروسه فعلی به مسیر مذاکرات فرسایشی و بی ثمر گذشته را نمایان کرد. جالب اینجاست که وزارت خارجه مَلاها در توضیح منافع "هر توافقی" برای طرفهای خارجی اش، تهدیدهای معمول حکومت را به عنوان پیامدهای "عدم توافق" برشمرد و بازگشت به سیاست از پای درآمده را به عنوان برگ برنده تکان می دهد.

اکنون چنین می نماید که با تحول سیاسی جدید در واشنگتن، این مُحاسبه نقش بر آب شده باشد و این امر بیش از همه تدبیرهای میانه بازانه حُجّت الاسلام روحانی و دولت او را تحت تأثیر قرار می دهد.

قانون کار در دست مجلس نشینان علیه کارگران

زینت میرهاشمی

"توافق فراگیر" در صندوق انتخابات آمریکا

بقیه از صفحه ۳

برآمد

اگر مناقشه هسته ای تنها یک وجه از بحران گسترده تری در نظر گرفته شود که رژیم مَلاها منطقه خاورمیانه را بدان مُبتلا کرده، بنابراین حل بحران هسته ای فقط گام اول در این جهت می تواند باشد. مُعادله مزبور به هدف "توافق فراگیر" مفهومی فراتر از یک سازش موضوعی می دهد و آن را به مرحله ای از یک فرآیند پیچیده بدل می سازد که عناصر آن از یکدیگر تجزیه پذیر نیستند.

در حالی که رهبران و پایوران رژیم ولایت فقیه به شدت تلاش می کنند از گسترش "عقب نشینی قهرمانانه" به دیگر حوزه های بحران زا در مُناسبات با غیب جلوگیری کنند و برای کشیدن "خط قرمز" به هر سو روان هستند، انتخابات آمریکا امکان مرزبندی مصنوعی میان ابعاد گوناگون "بحران فراگیر" را به شدت کاهش داده است. در همان هنگام که شعله های داغ جنگ از لبنان تا سوریه و از عراق تا مرزهای ترکیه و عربستان زبانه می کشد، گذار از تنش هسته ای به جنگ سرد خاورمیانه ای - هدفی که آقای خامنه ای و همدستان نظامی امنیتی اش پی گرفته اند - پنداری موهمانه است که با هر تحول جدید، مُعلق بودن آن در فضای خالی آرزوهای حُکومت فلج شده بیشتر به چشم می آید.

کارگران اخراجی در کارخانه های گسترش مانا ساز، قطار شهری اهواز، گاز لوله، کاشی گیلا، ایران زاک، نوشابه خوشگوار، نورد و لوله صفا، شیشه آبگینه، ابفای آبادان و سیمان کارون شاغل بوده اند.

بر اساس این گزارش، اکثر کارگران اخراجی به شرایط کاری خود از جمله پرداخت نشدن حقوق و مزایا و تغییر قرارداد دائم کار به قرارداد موقت اعتراض داشته و یا نماینده کارگران در مذاکره با کارفرما بوده اند.

این اخراجها نمونه های برجسته در هفته های اخیر بود. مجموع خبرها نشان دهنده اخراجهای گسترده کارگران معترض است. هیات حل اختلاف و شوراهای اسلامی به عنوان نهادهایی هستند که وابسته به حکومت بوده و نمی توانند دادرسی برای کارگران باشند. فقدان حق اعتصاب نبود تشکلهای مستقل مانند اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری به اعمال این شیوه های ضد کارگری یاری می رساند و قانون ضد کارگری موجود این شیوه ها را نهادینه می کند.

نتیجه پرداخت چنین هزینه هایی به صورت موروثی به زیر خط فقر برودند. او از موروثی شدن فقر که از جمله دستاورد رژیم ولایت فقیه است اطلاع کافی دارد. به نظر می آید تنها تیتز وعده ها جا به جا می شود.

اخراج کارگران معترض در

فقدان حق اعتصاب و اعتراض

دیکتاتوری ولی فقیه یکی از اولیه ترین حقوق کارگران و مزدبگیران، یعنی حق اعتصاب و اعتراض به شرایط کاری خود را برتانییده و در قانون کار گنجانیده نشده است. بر همین منظر صاحبان سرمایه به راحتی کارگران معترض را سرکوب و آنها را اخراج می کند.

دستگیری، شکنجه و آزار فعالان کارگری توسط رژیم، به سرکوبگری صاحبان سرمایه قانونیت می بخشد. تغییرات مورد نظر بسته پیشنهادی دولت حسن روحانی هنوز تصویب نشده در عمل جاری شده است. کارفرمایان حتا به هیات حل اختلاف به عنوان نهادی که برای اخراج باید مراجعه کنند، پایبند نیستند. داده های آماری نشان می دهد که اخراج کارگران شرکت کننده در حرکتی اعتراضی بسیار افزایش یافته است.

روز ۲۹ مهر، هزار و صد تن از کارگران کارخانه نورد و لوله صفا که در حرکتی اعتراضی این کارخانه در تاریخ ۲۷ و ۲۸ مهر، شرکت داشتند توسط کارفرمای خود اخراج شدند. از این تعداد فقط ۱۰۰ تن توانستند روز یکشنبه ۴ آبان به کار برگردند و تکلیف ۱۰۰۰ تن از آنها برای بازگشت به کار نامعلوم است.

به گزارش روز یکشنبه ۴ آبان ایلنا، دو کارگر رسمی کارخانه شیشه آبگینه واقع در شهر صنعتی البرز به اسمی «حسین فلاح» و «منوچهر افشار» که پی گیر مطالبات معوقه خود و سایر همکاران شان بودند، اخراج شدند.

براساس یک گزارش دیگر از همین منبع، دو تن از کارگران شاغل در انبارهای محصولات شرکت توزیع نوشابه خوشگوار در تهران اخراج شدند.

در همین روز ۵ کارگر رسمی کارخانه ایران زاک تولید کننده انواع آدامس به اسمی «محمد علی کاظمی» با ۳ سال سابقه، «جاوید ذوالقرنی» با ۱۷ سال سابقه، «کریم مافی دوست» با ۲۰ سال سابقه، «مصیب کلهر» با ۱۸ سال سابقه و «مهدی معافی بردبار» با ۱۷ سال سابقه به دلایلی که از آن بی اطلاع اند، اخراج شدند.

ایلنا روز سه شنبه ۶ آبان آبان گزارش داد که در یک هفته گذشته بیش از ۱۱۰۰ کارگر از واحدهای تولیدی اخراج شده اند.

امکان برگزاری تجمعی اعتراضی مستقل به منظور نشان دادن مخالفت با قانون کار و تغییرات احتمالی آن داده نمی شود. سران خانه دولتی به اصطلاح کارگر در سرکوب فعالان کارگری و تشکلهای مستقل کارگری، تلاش می کنند به اعتراضات کارگری در زمینه مخالفت با تغییرات در قانون کار، سمت و سوی حفظ امنیت نظام دهند.

سید حسن هفده تن، معاون تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی در گردهمایی روز ۲۹ آبان به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد تصویب قانون کار حرفهایی زد که نه تنها در جمهوری اسلامی تا کنون اجرایی نشده، بلکه تعداد بیشماری از فعالان کارگری به خاطر دفاع از حقوق مسلم خود در سایهچالهای رژیم زندانی و زیر آزار و شکنجه به سر می برند. بر همین منظر اگر قرار بر عملی شدن وعده های این کارگزار رژیم باشد قبل از همه فعالان کارگری که در زندان هستند و تنها جرمشان مشارکت در سرنوشت خود بوده است، باید از زندان آزاد شوند.

معاون تنظیم و نظارت بر روابط کار در برابر اعتراضهای موجود به تغییرات قانون کار گفت: «قول می دهیم که تمامی طرحها و برنامه های مرتبط با مسائل جامعه کارگری را بدون توافق شرکای اجتماعی پیگیری و اجرا نکنیم.» (منبع: ایلنا ۲۹ آبان)

حرفهای وی از جمله بزرگترین دروغهای رژیم برای فریب کارگران است. شرکای اجتماعی مورد نظر یا توافق سه جانبه بین این شرکا همانا روند مشارکت در شورای عالی کار است. شرکای سه جانبه شورای عالی کار تشکیل از نماینده دولت به عنوان سرمایه دار بزرگ، نماینده کارفرمایان و افرادی گزینشی از طرف دولت به عنوان نماینده کارگران است. این چنین شرکاتی تاکنون زندگی و سرنوشت کارگران را در جهت گسترش فقر و بی خانمانی و تشدید استثمار رقم زده است. یک نمونه آن تعیین دستمزد بدون در نظر گرفتن استانداردهای زندگی و نرخ تورم توسط این به اصطلاح شرکای اجتماعی است.

سید حسن هفده تن، سیاستهای اقتصادی به کار رفته در دهه گذشته را باعث پایین آمدن قدرت خرید کارگران دانست اما هیچ گونه سیاست روشنی مطرح نکرد که چگونه می تواند وضعیت کارگران را بهبود بخشد.

وی گفت: «تنها در یک دهه گذشته بیش از ۴۰ درصد درآمد مزدبگیران بابت هزینه های درمانی آنها هزینه شده و بدین ترتیب این خطر وجود دارد که با ادامه این وضعیت در آینده نزدیک طبقه مزدبگیر و به ویژه کارگران در

بیش از هزار کارگر ساختمانی صبح روز یکشنبه ۲۵ آبان دست به یک همایش اعتراضی در برابر مجلس ارتجاع زدند. کارگران شرکت کننده در این گردهمایی به طرح جدید مجلس در رابطه با تغییرات در قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی اعتراض داشتند.

کارگران طرح مجلس را نه در جهت تحت پوشش قرار دادن کارگران بلکه کاهش بیمه شوندگان می دانند.

مجلس نشینان بدون شرکت نماینده کارگران ساختمانی و مشارکت آنها در سرنوشت خود، طرحی مبنی بر تغییر بیمه کارگران ساختمانی تصویب کردند. این طرح به ضرر کارگران ساختمانی و به نفع کارفرمایان و سران سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. تغییرات پیشنهادی مجلس، بین شورای نگهبان و مجلس در رفت و آمد است.

طرح پیشنهادی مجلس برای تغییر بیمه کارگران ساختمانی، با سلامت بهداشت و معیشت بیش از ۴۰ درصد از کارگران ساختمانی بازی می کند. بر اساس یک ارزیابی، در صورت تصویب این طرح، بیش از یک میلیون کارگر ساختمانی از بیمه محروم خواهند شد.

طرح مورد نظر مجلس، بیمه کارگران ساختمانی را به سازمان تامین اجتماعی خواهد سپرد. سازمان تامین اجتماعی پرداخت بیمه کارگران را بستگی به درآمد خود از سهم کارفرما در نظر خواهد گرفت. این سازمان منبع درآمد خود برای پرداخت بیمه این بخش از کارگران را ۱۲ درصد سهم از صدور پروانه ساختمان و ۷ درصد سهم کارگران ارزیابی می کند. با وجود فساد گسترده در سازمان تامین اجتماعی همراه با دزدی و رشوه خواری در بخش ساختمان سازی است، می توان حدس زد که این درآمد به ظاهر کم، کفاف همه کارگران ساختمانی را نخواهد داد. فعالان صنفی این بخش معتقدند که این میزان درآمد اعلام شده از طرف سازمان تامین اجتماعی، نه تنها کفاف بیمه کردن ۴۰۰ هزار کارگر بیمه شده را نخواهد داد بلکه شامل هیچ کارگر جدیدی نخواهد شد.

در سالگرد تصویب قانون کار، مانند همیشه گردهمایی سازماندهی شده از طرف پایوران رژیم در روز پنجشنبه ۲۹ آبان برگزار شد. در این گردهمایی هیچ سخنران مستقل از حاکمیت وجود نداشت. همچنین سخنرانی از جانب کارگران در این مراسم وجود نداشت. صحنه گردانان و سخن پرانگان این گردهمایی همگی به نوعی بند نافشان به تشکلهای زرد کارگری وابسته و یا از کارگزاران حکومت و کارفرمایان بودند. این گونه گردهماییها با سخنرانان چینی در حالی صورت می گیرد که

جهان در آینه مرور.....

۲۵ سال پس از فرو ریختن دیوار برلین، پایان جنگ سرد و "پایان تاریخ"

لیلا جدیدی

فرو ریختن دیوار برای آنها این پیام را داشت که اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده خواهد شد و چنین نیز شد.

پس از پایان جنگ سرد

بی اعتباری فرضیه "پایان تاریخ" فوکویاما

فرانسیس فوکویاما در مقاله ای در سال ۱۹۸۹ "پایان تاریخ" را اعلام کرد. او با ذکر تحولات در اتحاد جماهیر شوروی سابق و بلوک وابسته به آن، لیبرال دمکراسی را نظریه پیروز در مقایسه با نظامهای موجود اعلام کرد. وی سه سال بعد در سال ۱۹۹۲، در کتاب "پایان تاریخ و آخرین انسان" در بسط نظریه خود بدین نتیجه رسید که تاریخ به پایان رسیده و پس از این لیبرال دمکراسی بدون هیچگونه تبدیلی مسلط بر جهان خواهد بود.

این نظریه حاکی از آن است که "در دوران پس از جنگ جهانی دوم نظام لیبرال دمکراسی به ویژه پس از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی به صورت یک جریان غالب و مسلط درآمده است که همه کشورها و جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند، آخرین حد تلاشها و مبارزات ایدئولوژیهای مختلف در نهایت در قالب ایدئولوژی لیبرال دمکراسی سر برآورده است. بنابراین تصور این که نظام سیاسی بهتر و مناسب تری به عنوان آلترناتیو و یا بدیل جایگزین این نظام شود، باطل است." (۲)

اما اکنون پس از ۲۵ سال با شواهدی از قبیل ابقای سلاحهای هسته ای، انباشت نامحدود سرمایه و تصاحب سود، جنگهای ویرانگر، تروریسم سازمان یافته و رو به گسترش با ابعادی مانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، افزایش بیماریهایی مانند ایدز، گرم شدن زمین، بی آبی، بحران اقتصادی، قحطی و گرسنگی و مانند آن به این نتیجه می توان رسید که کره زمین و ساکنان آن با تهدیدهای جدی روبه رو هستند و باید برای دفع این خطرات به فکر راه حل دیگری بود، زیرا لیبرال دمکراسی آقای فوکویاما تو زرد از آب در آمده است.

قابل توجه اینکه فوکویاما که پیشتر جزو نظریه پردازان نو - محافظه کار به شمار می آمد، در سال ۲۰۰۳ با اشغال عراق مخالفت کرد، در سال ۲۰۰۴ علیه بوش رای داد و در سال ۲۰۰۶ با انتشار مقاله ای بلند در نیویورک تایمز ضمن مقایسه نو - محافظه کاری با لنینیسم، "پایان عصر نو - محافظه کاری را اعلام کرد." (۳)

بقیه در صفحه ۶

آمدند. با این حال نباید فراموش کرد که جمهوری دمکراتیک آلمان در دوران جنگ سرد، به بسیاری از مبارزات وقت یاری می رساند، از جمله به نبرد رهایی بخش مردم ویتنام، مبارزان جنوب آفریقا و اقداماتی برای حفظ حقوق کارگران در آلمان شرقی و در بیشتر نقاط اروپا.

نابید نادیده گرفت که افزون بر اهدافی که غرب برای تخریب سوسیالیسم داشت، مسوولیت بخش زیادی از شرایط به وجود آمده نیز به دوش استالین است. استالین با مانور بر اجساد انقلابیون اکتبر ۱۹۱۷ و نابود کردن حزب بلشویک و تبدیل کردن آن به دستگاه بوروکراسی ممتاز، تمامی نسل انقلابی سوسیالیست را از بین برد. اگر چه امتیاز سرنگونی استالین به زحمتکشان باید داده شود، اما عده ای دیگری از تنفر مردم نسبت به استالین



بهره برداری کردند. آنها بوروکراسی استالینیستی را با سرمایه جهانی بورژوازی کمپرادور (واسطه‌ها و دلالتان سرمایه خارجی) جایگزین کردند.

در حالیکه بوروکراسی استالین برای حفظ بقا مجبور شد برخی از دستاوردهای انقلاب اکتبر از جمله ملی کردن ابزار تولید را حفظ کند، بورژوازی تازه به دوران رسیده به نابودی هر آنچه از صنعت ملی باقی مانده بود دست زد و کارگران را به گرسنگان بدون حق تبدیل کرد.

در این زمینه، رییس جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی را "بزرگترین فاجعه قرن بیستم" توصیف کرده است.

"یوری پیوورو"، عضو آکادمی علوم در مسکو می گوید: "روسها فرو ریختن دیوار برلین را به دو شکل می دیدند، عده ای شوق پرستریکا و انتظار رفرمهای بزرگ دمکراتیک را داشتند و عده ای دیگر حامیان حزب کمونیست بودند که به شدت ناراضی بودند.

جنگ سرد اعلام کرده است. وی متذکر شد که رهبران غربی با بهره برداری از ضعف روسیه و عدم توازن قوا، خود را بطور انحصاری در جایگاه رهبری و تسلط برجهان شناختند. باید یادآور شد که اگر چه گورباچف پیشتر از منتقدان ولادیمیر پوتین بود، اما پیرامون حوادث اوکراین اکنون از رویکرد او در اوکراین حمایت می کند. وی همچنین مدعی شد که پوتین همواره برای کاهش تنشها تلاش کرده است.

فرو ریختن دیوار برلین

ابراز رضایت آمریکا و آلمان از فرو ریختن دیوار برلین در واقع بهانه ای بیش برای تخریب چهره سوسیالیسم نبود. اکنون غرب و سرمایه داری تصور می کردند می توانند بر فجایی که

جنگ سرد تا کنون رسیده است. "انگلا مرکل"، صدراعظم آلمان، در محل این دیوار حاضر شد و شاخه گلی را به یاد قربانیان بر روی قسمتی از دیوار برلین که به صورت نمادین باقی مانده، قرار داد. او از کسانی که به خاطر شرایط دشوار سالهای جنگ سرد جان خود را از دست داده و یا آسیب دیده اند، یاد کرد. پیشتر، خانم مرکل فرو ریختن دیوار برلین را "معجزه" ای توصیف کرده بود که بدون جنگ و خونریزی پایان دوران جنگ سرد را رقم زده است.

دیوار برلین درحالی سمبل تمایز دو سیستم کاملا متضاد، یکی سرمایه داری و دیگری سوسیالیسم بود که پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا صدمات زیادی متحمل نشده بود. آمریکا در آن زمان به عنوان قوی ترین قدرت اقتصادی حضور داشت و از این رو میلیاردها دلار برای بازسازی ویرانیهای جنگ به بازار اروپای غربی ریخت، اما در همان حال اتحاد جماهیر شوروی در اثر تهاجمات هیتلر با از دست دادن نزدیک به ۳۰ میلیون انسان و بخش بزرگی از صنعت خود، توان کمک کافی به اروپای شرقی را نداشت.

از همین رو بود که صدها هزار تن که با هزینه دولت آلمان شرقی آموزش و تعلیم دیده بودند، برای به دست آوردن شغل و زندگی بهتر به غرب می رفتند و در مقابل از همان راه عده ای از جاسوسها و اخلاالگران به شرق می

روز ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹/۱۸ آبان ۱۳۷۸ پس از روزها تظاهرات و تجمع در دو طرف دیوار، برلینیها در شرق و غرب توانستند آزادانه در کنار هم باشند. با فرو ریختن دیوار برلین که از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۹ بین دو آلمان کشیده شده بود، نه تنها آلمان دوباره بهم پیوند خورد، بلکه راه اتحاد اروپا نیز باز شد. دیوار برلین، موسوم به پرده آهنین که برای بیست و هشت سال شهر برلین را به دو نیم تقسیم کرده بود و مشهورترین نماد جنگ سرد محسوب می شد، در شامگاه نهم نوامبر ۱۹۸۹ فرو ریخت و همراه آن دوران جنگ سرد، دورانی از تضاد بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی نیز به پایان رسید.

در ۲۵مین سالگرد فرو ریختن دیوار برلین، در آلمان جشنهای بزرگی ترتیب داده شده بود. ساکنان برلین نیز به مناسبت سالروز وحدت دو آلمان و فرو ریختن دیوار، شاهد به هوا رفتن هشت هزار بالن بر فراز آسمان این شهر بودند. این جشن و سرور در زمانی صورت می گرفت که تنش بین شرق و غرب به بالاترین اوج خود از پایان جنگ سرد تا کنون رسیده است.

در عوض در روسیه هیچ خبری نبود. "دیمتری مدودف"، رییس جمهور سابق روسیه، پنج سال پیش در مراسم سالروز فروپاشی دیوار برلین شرکت کرد. امسال اما کسی انتظار حضور پوتین را نداشت، زیرا پس از گذشت ۲۵ سال، اختلاف بین شرق و غرب از بین نرفته است. در واقع "میخائیل گورباچف"، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق که در نزدیکی دروازه "براندنبورگ" برلین در این روز سخنرانی کرد، جهان را در آستانه جنگ سرد دیگری توصیف کرد. وی غرب را به خاطر عدم مدیریت صحیح در فرو ریختن دیوار آهنین و کاشتن بذر بحرانهای کنونی مورد شمتات قرار داد. او گفت که آمریکا بی دلیل و بدون پدید آوردن ساز و کارهای لازم و تامین امنیت اروپا و پیشبرد غیر نظامی گری در عرصه سیاسی اروپا، خود را پیروز

اعدام ریحانه و اسیدپاشی، جنایتهای داعشیهای ایرانی

زینت میرهاشمی



بقیه از صفحه ۵

۲۵ سال پس از فرو ریختن دیوار برلین، پایان جنگ سرد و "پایان تاریخ"

پایان جنگ سرد و ادعاهای مرکل

در ۲۵مین سالگرد فرو ریختن دیوار برلین مراسم رسمی که در پایتخت آلمان برگزار شد، هیچ نشانی از درس آموزی از گذشته وجود نداشت. این در حالیست که گرامیداشت سالروزها برای یادآوری و درس آموزی از آنهاست.

خانم انگلا مرکل در سخنرانی خود بارها از واژه آزادی استفاده کرد و ادعا کرد که مساله اصلی فرو پاشی دیوار موضوع آزادی بود. اما این آزادی چه معنایی دارد و براسستی چگونه گسترش یافته و از آن پاسداری شده است؟

اگر منظور او از واژه آزادی، مطالبات مادی باشد، در آلمان کنونی پس از بهم پیوستن شرق و غرب از هر ۵ نفر یک نفر زیر خط رسمی فقر یعنی ۸۷۰ یورو در ماه زندگی می کند. در لهستان و جمهوری چک مزد متوسط در ساعت حتی به اندازه یک سوم آلمان نیست و در بلغارستان و رومانی کمتر از یک ششم آن است. بحران اقتصادی در سراسر اتحادیه اروپا همچنان در حال شدت یافتن است و آثار آن بر کشورهای بلوک شرق سابق به مراتب دهشتناک تر بوده است. بنا به گزارش "بیزنس بلومبرگ" در ۷ نوامبر سال جاری، کشورهای مزبور بدترین وضعیت اقتصادی را داشته اند و رشد نابرابری، ظهور فقر، فساد و جنایت و بهره برداری جنسی از زنان در شرق سرسام آور بوده است.

امکان دارد که منظور صدراعظم آلمان از آزادی، امنیت و عدم هراس از جنگ باشد. اما در اوایل همین سال جنگ علیه اوکراین به اعلام "پایان محدودیتهای نظامی" و خاتمه رسمی سیاست پاسیفیستی آلمان انجامید. چنین تغییر سیاستی در جنگ جهانی اول و دوم نیز اتفاق افتاد. "فرانک والتر اشتاین مایر"، وزیر خارجه آلمان در هفته نامه آلمانی "دی سایت" نوشته است: "متأسفانه ما باید خود را برای بحرانهایی که در سالهای پیش رو رخ خواهد داد و واقعیت زندگی هستند، آماده کنیم." باید متذکر شد که آلمان غربی پیش از سال ۱۹۸۹ از حرکتیهای نظامی خود را کنار می کشید، اما بعد از آن در بمباران یوگسلاوی و افغانستان مشارکت کرد و اوکراین را نیز آماج تهدیدات خود قرار داد.

آغاز جنگ سرد دیگر و نظریه گورباچف

همانطور که گفته شد، در ۲۵مین سالگرد ریزش دیوار برلین، میخائیل گورباچف در یک سخنرانی در برلین هشدار داد که غرب و روسیه در آستانه یک جنگ سرد دیگر هستند. برخی حتی می گویند جنگ سرد دیگری شروع شده است. گزارش "شبکه گزارشگر رهبری اروپا" (European Leadership Network report) تأییدی بر نظریه گورباچف است: "در

۸ ماه گذشته ۴۰ رویداد بسیار حساس به وقوع پیوسته است. تا ماه اکتبر سال جاری اعضای ناتو بیش از ۱۰۰ نقض حریم هوایی توسط هواپیمای روسی را خنثی کرده اند. این میزان ۳ برابر تمام سال ۲۰۱۳ است."

این گزارش متذکر شده است که حملات مزبور نشانه نقض نگران کننده حریم هوایی است. همچنین در حریم دریایی نیز رخنه های خطرناکی در مسیر گسترده جغرافیایی رواج داشته است. سه نویسنده این گزارش می گویند: "اگر چه بسیاری از این حوادث در دریای بالتیک اتفاق افتاده، اما در اطراف دریای سیاه و نزدیک مرزهای آمریکای شمالی و کانادا نیز گسترش داشته است."

آنها نتیجه می گیرند: "این اقدامات در واقع برای نشان دادن توانایی روسیه در تهدید و فشار بر دیگران و به ویژه بر کشورهای همسایه است. روسیه می خواهد سطح همکاری اعضا ناتو را نیز در این میان بسنجد."

در گزارش یاد شده آمده است که به نظر می آید برخی از تحریکات همزمان با رویدادهای دیپلماتیک ترتیب داده شده است، مانند سفر اوپاما به اروپای مرکزی، سفر رییس جمهور اوکراین به آمریکا و کانادا، یا نشست ناتو در ولز.

در خاتمه:

چنانچه بخواهیم به جنبه های مثبت ریزش دیوار برلین و پایان جنگ سرد بنگریم، رهایی از جنگ سرد بین دو ابرقدرت، پایان یافتن سلطه سرمایه داری دولتی بر اروپای شرقی، متلاشی شدن پیمان ورشو و رها شدن سوسیالیسم کارگری از بورژوازی دولتی و رویزونیسم ارتجاعی که بر اتحاد جماهیر شوروی سلطه افکنده بود و سوسیالیسم رهایی بخش مارکس را بدنام و بی چهره می کرد را بیاد می آوریم. با این همه می بینیم که روی این ویرانه، حکومت فاسد یلتسین و سپس جنگ در دوران بوش، ظهور جریانهای وابسته به آمریکا در لهستان و چک و برخی دیگر از کشورهای بلوک شرق، ظهور نظریه های راست و افراطی از فوکویاما گرفته تا هانتینگتون، تهاجم مالی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و ... ساخته شد.

دنیای اقتصاد سرمایه داری در عمیق ترین بحران خود از دهه ۳۰ تاکنون قرار دارد و از سال ۲۰۰۸ که سیستم بین المللی پول به آستان فروپاشی رسید، هیچ مشکلی حل نشده است. طبقه حاکمه در واکنش به سقوط اقتصادی، به میلیتاریسم و تهاجم به حقوق دمکراتیک کارگران و زحمتکشان روی آورده است.

اکنون سرمایه داری هیچ راهی برای بیرون آمدن از بحرانهایی موجود ندارد. در سالهای گذشته ما شاهد مبارزات و رویارویی زحمتکشان در سراسر جهان علیه ستم طبقه حاکمه بوده ایم. بدیهی است که اکنون ما برای مبارزه و پیروزی نیاز به برنامه هایی برای ساختن سوسیالیسم رهایی بخش از پایین به بالا داریم.

پانویس:

(۱) صدای آمریکا بخش انگلیسی Differing Feelings 25 Years After Berlin Wall

(۲) ویکی پدیا

(۳) همانجا

خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (۹)

شهره صابری

“حجم و هن”

م. وحیدی (م. صبح)

چه مسلخ تلخی است
جهان
این جهان کوچک و سرد
با آدمگان جامانده در خاطرات خویش
با حجم گنداب الفباها

دیربست
شعاع یک فانوس را
به دوش می کشم
در ناهمواریهای این قاره خون
کجاست تصویر من
در جهان ابری شما؟

پنجره ها کاغذی اند
و گنجشکهای کاغذی
ترنم بامدادی را
باور ندارند
سخت است هر روز من و
انتظاری که در متن چشمان باغ
زبانه می کشد
خوشا مضاف فواره و آسمان!
خوشا تندباد و
صدای باران
و پژواک صبحی
که رستاخیز عشق را
دروازه می گشاید

“پرچین آشنایی”
م. وحیدی (م. صبح)

باران می آید و
ابر خیس پیموده در درون بادها
بنفشه های عبوس باغچه را
رنگ شادی می زند

بیابان
برهنه
در گذرگاه پرهایی ریخته
در ساعت سحر
خاطره و گل می چیند
و آسمان را
به جشن رستنیا و
وزش ستارگان می خواند
عشق تو
شاخسار هستی ام
و قاب کوچک پنجره ام
معنی آزادی
می دانم
از پشت پرچین غروب
سلامم را پاسخ خواهی گفت
و من
از آرامش نگاه تو
لبریز خواهم شد

سهمداران مذهبی به اصطلاح مبارز داشتند. آنها که به قدرت رسیده بودند، در پی برقراری دیکتاتوری و تسلط بر شریانیهای اقتصادی بودند و در این زمان دسایسی به منظور سرکوب انقلاب زحمتکشان و محرومان پیاده کردند که از آن جمله می توان به تهیه ی لایحه ای به نام لایحه ی مدیریت اشاره کرد. این لایحه از شورای انقلاب درآمد و به طور ضربتی اجرا شد. این لایحه به بهانه ی این که کارخانه ها در پی تسلط شوهرهای کارگران و فرار سهمداران بی سرپرست شده اند و در آستانه ی تعطیل شدن هستند، تصویب شد. بنیان رژیم دلیل آشفتنی اوضاع کارخانه ها را این می دانستند که مشتریان کارخانه ها محصول را از صاحبان قدیمی کارخانه ها می خریدند و پول آن دیگر به کارخانه بر نمی گردد! بنیان رژیم جمهوری اسلامی علاج آنرا در لایحه ی مدیریت اینگونه ارائه دادند که دولت در کارخانه ها و موسسات تولیدی و خدماتی مثل پیمانکاریها و مهندسان مشاور و همه ی موسساتی که سابقه ی بخش خصوصی دارند و کارگران بر آنها مسلط اند مدیر و هیات مدیره ای تعیین کند که اختیار مجامع عمومی و قانونی را داشته باشند. این گونه ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده، کارگران را سرکوب کرد! این که بعد از آن چه اتفاقی برای مالکیت کارخانه ها و صنایع و موسسات تولیدی و خدماتی افتاد پوشیده نیست. بخشی مصادره شد، بخشی از صاحبان آن خریداری شد و بخشی هم با مدیریت جدید از تحرک ایستاد. در این زمان با وجود بی میلی بسیاری از بنیان رژیم جمهوری اسلامی، صنعت و تجارت با هدف به دست گیری اقتصاد و همچنین مصون ماندن از خطر خشم انقلابی، دولتی شدند. قانون ملی شدن تجارت خارجی هم در شورای انقلاب و کمیسیون شماره ی ۲ مرتبط به عزت الله سبحانی تصویب شد و هدف آن جلوگیری از گرایش سرمایه داران به سرمایه گذاری در امور تجاری بود. قانون ملی شدن تجارت و لایحه ی مدیریت تا سال ۷۰ اجرا می شد. مقارن با ریاست جمهوری هاشمی و آتش بس جنگ ایران و عراق و بعد از سرکوبی شدید انقلابیان دهه ی ۶۰ رژیم ایران سیاست جدیدی را در جهت خصوصی سازی در پیش گرفت.

ادامه دارد

سرکوب انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به دست رژیم جمهوری اسلامی که به گفته ی خودشان چندان سابقه طولانی در مبارزه علیه ستمگری شاه نداشتند، روندی چند ساله را طی کرد. فریب مردم و بیرون راندن انقلابیان از میدان، سیاستهایی را طلب می کرد. پس از انقلاب ۵۷ و تشکیل دولت موقت مباحثات بسیاری پیرامون نظام اقتصادی آینده صورت گرفت و این مباحث یکی از مهمترین موارد جدال و برخورد بین بنیان رژیم و مخالفان بود. گرایشات عمده طرفداران اقتصاد اسلامی، لیبرالیسم، سوسیالیسم دولتی، سوسیالیسم و کمونیسم بود. بازرگان به اقتصاد آزاد گرایش داشت و تشکیل دهندگان حزب جمهوری اسلامی به عنوان مثال بهشتی، محمد جواد باهنر، اردبیلی و هاشمی به ظاهر متمایل به سوسیالیسم دولتی بودند. حزب اللهیها اعتراف می کنند که سیاسی صرف بوده و از اقتصاد چیزی نمی دانستند بهانه ی این نادانی را روند سریع انقلاب می دانند که مجال مطالعه پیرامون این علم را به آنها نداد.

حزب اللهیها عموماً اساس مباحثات خود پیرامون اقتصاد را از «کتاب اقتصادنا» (اقتصاد ما) نوشته محمد باقر صدر اتخاذ می کردند. نادانی این گروه از علم اقتصاد، آنان را وادار می کرد که به ناچار به این کتاب مراجعه کنند. محمد باقر صدر در این کتاب عدم مخالفت اسلام با مالکیت خصوصی را نشان می داده و در بخشهایی از کتاب سعی کرده تا سوسیالیسم و لیبرالیسم را به نقد کند. نقدی که به شدت ضعیف و بی مقدار است. بر اساس نظر مارکس، منشا دگرگونیهای جامعه تضاد طبقاتی است. جامعه ی ایران نیز از این امر مستثنا نیست. ریشه ی انقلاب ایران همان تضاد طبقاتی و مبارزه ی محرومان علیه نظام کهنه بود و بر این اساس انقلابیان واقعی ایران دشواریها و تنگنانهایی برای پیشرفت هدفهای بنیان رژیم جمهوری اسلامی به وجود آوردند. در جریان انقلاب و پس از آن محرومان و کارگران آنچنان درگیری و شورش با کارفرمایان، مدیران و صاحبان صنایع و تجار داشتند که اینان همه متواری شدند. دشواریهایی که محرومان برای بنیان رژیم در آلمان به وجود آورده بودند مربوط به حقوق کارگران بود. شوهرهای کارگری بر کارخانه ها مسلط شده بودند و درگیریهای شدیدی با سهمداران کارخانه ها و همچنین

رقص سرباز و شیخ

امید برهانی

رقص فرومایه رقصی ست مفرد، ناموزون، ناشکیبا و کاسیکارانه؛ رقص دلخواه توتالیتاریسم دوستدار خوش رقصی ست که مرزهای اخلاق و شرافت را زیر پا می گذارد، نیمی از جمعیت جامعه را لگدکوب می کند، طبیعت و زیست بوم را تخریب، منابع طبیعی را غارت و منابع انسانی و سرمایه اجتماعی را نابود می کند، دگر دین را به حاشیه و دگر اندیش و دلسوز را به زندان یا گور می راند و در عوض، عملة جات، خواجه ها و ته مانده خواران حلقه قدرت را به مداحیهای سخیف و حرکات روحوضی و عنتر وار و می دارد تا جایی که رییس جمهوری یک کشور و "همه ی مردان وی" را که علی الاصول سمبل دولت مدرن و وجاهت یک ملت در عرصه ی داخلی و بین المللی ست، بر پله های منبر می نشاند و از دهانشان آوای روضه بیرون می آورد. این رقصی ست به جلفی یک حماقت و کوتاهی یک حکومت.

تنها بعد کرونولوژیک توجیه گر تفاوت جان دانبرها و حسن روحانیها نیست، که اگر بود می بایست گروه دوم را به جبر تکنولوژی، ارتباطات و در یک کلام مدرنیته، در جایگاهی به مراتب بالاتر از گروه اول می نشاند. خواستگاه، پایگاه و طبقه فرد، مرحله تاریخی و تکاملی جامعه، میزان توسعه یافتگی یا نیافتگی آن و باز یا بسته بودن آن است که سرباز را کنار گرگ می نشاند و شیخ را از کنار انسانها می تاراند و حاصل اینها فرم و محتوای حکومت برآمده ای ست که دستکم در سرزمین خاورمیانه و جغرافیای اسلام در دهه ها و سالهای اخیر ثابت کرده که قادر است به ماشین زمان دنده ی معکوس بدهد و جامعه را به قهقرا و ارتجاع سوق دهد.

"...هان! چند قرن؟ چند قرن به انتظار بوبدید؟... (۲)

پانویس:

(۱) برگرفته از فیلم سینمایی "با گرگها می رقص" به کارگردانی و بازی کوبین کاستنر، مری مک دانلد و گراهام گرین که در سال ۱۹۹۱ جوایز متعدد گلدن گلوب و اسکار را از آن خود کرد و به موفقیت بین المللی فراوانی دست یافت. (۲) شاملو

ناچار از تنهایی ترس آور و تحمل ناپذیر خود دست کشیده و در تاریخ روشن افق سیاسی نظام هر دست، پا و یا پنجه پیدا و نهانی را چنگ زده و می فشارد و به جای درون بینی و دگرذیسی رابطه ی خود و جامعه ی پیرامون، تنها به درونی سازی رابطه ی خود با آن همه می اندیشد.

در این دست و پا زدن آشفته و مذبوحانه، صاحبان دست و پنجه های دراز شده به وی، تمام یا قسمتی از آن همه اند که با ماهیتی گله وار و هویتی مرتجع در هرچه تحت اختیار و بیرون اختیار شیخ است، پنجه فرو می کنند و او را به فرار به عقب و اقامت و انزوای دوباره در دژ فرسوده بیشتر می رانند. آن وقت هر دو، او و آن همه، بی هیچ تضاد ایدیولوژیک و طبقاتی، بی هیچ احساس نیاز به خودآگاهی انفرادی و اجتماعی، به گرد هم جمع شده، زبان گفتگو را هرچند مشترک برای تفهیم و تفاهم بسنده نیافته و ناچار به زبان حرکت و رقصی به ظاهر جمعی روی می آورند. هر کدام اما در حرکتی وضعی به گرد خویش و با نیروی گریز از مرکز، دور باطل رقص ایستا و ضد تکاملی یکدیگر را نه با هم نظاره می کنند، که به رخ هم می کشند ... و در این میان سنتزی نیست چون تضادی نیست و مسوولیتی نیست چون آگاهی ای نیست.

اپیزود پایانی

رقص داریم تارقص:

رقص شکوهمند رقصی ست سیستماتیک، هدفمند، بی کرانه، دوار و رو به بالا و خلاصه حلقه تکامل. رقصی ست که گرگ را کنار آدم می نشاند و آدم را کنار آدمی دیگر، آوای وحش را به ترانه انسانی و مارش جنگ را به ترنم طبیعت و رفاقت نزدیک و یا تبدیل می کند. رقصی که فرد و گروه را در پیوست معنایی متقابل نگه می دارد، از جنسیت می گذرد، از روی نژاد می پرد و طبقه را دور می زند تا در برابر انسان وار فرود آید. رقصی که ناسیونالیسم اغواگر و میلیتاریسم متجاوز و راسیونالیسم بی عاطفه بهشت فروش را پاره می کند تا به سوسیالیسم نغز انسانی و این جهانی برسد. این رقصی ست به عرض زندگی و ماندگاری معنا.

بپردازد. سرباز، ناجی زن شده و او را به قبیله بر می گرداند و زن هم میانجی سرباز و سرخها و عامل ماندگاری او در قبیله می شود. یک بار دیگر از تضاد سه گانه مرد سرباز (نژاد گرایی، میلیتاریسم و تجاوز)، زن (عشق، شیدایی، ایستادگی) و قبیله (طبیعت، کمون اولیه و آزادی)، سنتز صلح، تعامل و مبارزه یکی برای همه و همه برای یکی شکل می گیرد...

اپیزود دوم

ایران ۲۰۱۳- در جریان جنگهای داخلی جناحی و رقابتی حواریون مسیح متصلب (خامنه ای)، شیخ حسن "فریدون" با سابقه سی سال وفاداری و خوش خدمتی به حاکمیت روحانی ساز و روحانی سرشت و جعل فرصت طلبانه نام و هویت همیشه جعلی "روحانی"، با نمایش کلید تدبیر و امید از صندوق رای بیرون می جهد، نشان مشروعیت خود را از توده رای دهنده و حکم ماموریت خود را از مونارشی ولی فقیه می گیرد و وظیفه ی دوگانه و پارادوکس اش را در خط مرزی خایل بین جمهوریت و ولایت آغاز می کند. شیخ مسخ شده در نمای روحانیت و نظام ولایت، در فرصت پیش آمده به جای بازبینی مفهوم وطن، انقلاب، دیکتاتوری، حقوق مردم، آزادی، اقتصاد، روابط بین الملل و ... و رسیدن به این نتیجه ناگزیر که باید بار مطالبات انباشته ی مردم در خرداد ۶۰ خرداد ۷۶ و خرداد ۸۸ را از زمین برداشت، پشت به جبهه جمهور و روی به جبهه ی حکومت می کند، به حفظ پایگاه قدرت نامشروع و دفاع از ماهیت ارتجاعی و کارکرد طبقاتی رژیم می پردازد، بر تضادهای درونی حاکمیت و بر تضاد بین حاکمیت و مردم سرپوش می گذارد و مذبوحانه به حفظ نظام از گزند تهدید و تحریم دشمنان خارجی اش کمر می بندد.

شیخ می داند که میدان مسخ شدگی میدان تنهایی و استقلال نیست. گرچه افراد به شکل آنارشی و آنتروپی در آن بسیار است، ولی این عرصه لاجرم عرصه حرکت جمعی گله وار است. حفظ و ترمیم نظام مسخ کننده خود مخرب و لرزان، همراهی دیگر مسخ شدگان هم مسلک را می طلبد. پس به

اپیزود اول (۱)

آمریکا ۱۸۶۳- در جریان جنگهای داخلی، ستوان "جان دانبر"، افسر ارتش کنفدراسیون، پس از جان به در بردن از بیماری گانگرن پای خود و مرگ حتمی و اثبات شجاعت و لیاقت نظامی، نشان شجاعت می گیرد و ماموریت سخت تری را در جبهه ی غرب و نگرانی از پاسگاه مرزی ارتش در برابر نیروهای فدراسیون و سرخپوستان "پاوونی" می پذیرد. سرباز مسخ شده در نشان و لباس نظام، پاسگاه و پیرامون را خراب و خلوت می بیند، و یکه و تنها به بازسازی آن می پردازد. در تکاپوی کار روزانه و خلوت شبانه مجال بازبینی مفهوم اشیا، طبیعت، انسان، سفید، سرخ، دشمن و کنار هم چیدن اینها با زندگی و مرگ را می یابد. به بازاندیشی رابطه خود با این همه می پردازد.

در این سیر و سلوک دیالکتیکی، نمادی از این همه، یعنی گرگی بریده از گله گرگها و جوای هیوتی جز وحش، به دژ و دنیای سرباز سرک می کشد و با وی همسفر راه می شود؛ راهی که آغازش تضاد سرشتی و تاریخی دو جزء طبیعت (انسان و گرگ)، سیر تکاملی اش آشنایی، تفاهم و آشتی و پایانش یگانگی است. هر دو، بریده از آگاهی و هویت جمعی کاذب خویش (وحش و نظام)، با زبانی سمبولیک، زبان بدن و حرکت، با یکدیگر به گفت و گو می نشینند. هر دو در رقصی نمادین، معنا دار و بی پایان، در حرکتی انتقالی به دور دیگری، در رقصی پلکانی، دوزانی و جانب به مرکز، حلقه های حیات و نردبان تکامل را می پیمایند و از تضاد نفی در نفی بیولوژیکی آغازین به یگانگی دیالکتیکی آخرین می رسند.

غیبت گرگ و کشته شدنش به دست انسان سفید پوست دیگر و مشاهده مردان سرخ پوست پاوونی که پیوسته سرباز را می پاییدند و او را "رقصنده با گرگ" می نامیدند، جان را وادار به ترک دژ و پیوند با دنیای دیگر (قبیله) می کند. درگاه ورود مرد به قبیله، زن سفید پوستی ست که خود در کودکی قربانی تضاد سرخ و سفید شده، در دامن سرخها بزرگ شده و بنا به سنت قبیله چون مسبب از دست دادن همسر خود شناخته شده، تاوان آن را با خودزنی باید

چالشهای معلمان در آبان ماه

فرنگیس باقره

ایرنا، ۲۴ آبان - دفاتر خدمات الکترونیک دولت دفترچه خدمات درمانی کارکنان آموزش و پرورش استان تهران را تمدید نمی کنند. عدم پرداخت حق بیمه از سوی آموزش و پرورش باعث شده تا سازمان بیمه خدمات درمانی استان تهران نسبت به مسدود نمودن سایت آموزش و پرورش اقدام کند.

دفاتر خدمات الکترونیک از تعویض و یا صدور دفترچه بیمه خدمات درمانی کارکنان آموزش و پرورش امتناع می کنند و علت این امر را بسته بودن سایت آموزش و پرورش اعلام می کنند. این اقدام در حالی صورت می گیرد که حق بیمه کارکنان آموزش و پرورش و معلمان به طور ماهانه از حقوق آنها کسر می شود.

یکی از مسوولان بیمه خدمات درمانی استان تهران در این رابطه گفت: "اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران حق بیمه کارکنان آموزش و پرورش را به حساب سازمان بیمه خدمات درمانی واریز نموده و این امر باعث شده تا فعلا امکان صدور دفترچه خدمات درمانی جدید میسر نباشد."

عدم صدور دفترچه جدید بیمه خدمات درمانی باعث شده تا معلمان در شهرستانهای استان تهران جهت درمان خود با مشکل مواجه شوند و نتوانند از بیمه خدمات درمانی و بیمه تکمیلی جهت درمان خود استفاده نموده و مجبورند تا هزینه ها را به صورت آزاد پرداخت نمایند.

نقض حکم شلاق و حبس یک معلم

حقوق معلم و کارگر، ۲۷ آبان - حکم چهل ضربه شلاق و یک سال حبس محمد توکلی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان کرمانشاه در شعبه ی دهم دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه نقض گردید.

محمد توکلی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان کرمانشاه که حکم یک سال حبس و چهل ضربه شلاق را از دادگاه ۱۰۳ جزایی کرمانشاه به اتهام اخلال در نظم عمومی دریافت کرده بود، با رای دادگاه تجدید نظر تبرئه شد. با تجدید نظر خواهی او، پرونده در شعبه ی ده تجدید نظر استان کرمانشاه بررسی و سخن گفتن توکلی با همکاران اش فاقد اوصاف قانونی صدور رای تشخیص داده شد.

دادگاه تجدید نظر همچنین وجود مصادیق اخلال در نظم عمومی را در عملکرد ایشان رد کرد. به این ترتیب توکلی از بزه انتسابی تبرئه شد.

حق اضافه کار اردیبهشت و خرداد معلمان خبر داد.

مهدی بهلولی در این باره گفت: "معلمان حق اضافه کار اردیبهشت و خرداد امسال را از وزارت آموزش و پرورش طلبکارند اما این وزارتخانه موافقت یاد شده را پرداخت نمی کند و تا جایی که من اطلاع دارم، برنامه ای هم برای پرداخت شان ندارد."

او در ادامه بیان کرد: "حق اضافه کار خرداد معلمان در سالهای گذشته ۳۰ روزه بود اما حاجی بابایی با این استدلال که ۱۰ روز پایانی خرداد به امتحانات برخورد می کند، این حق را به ۲۰ روز کاهش داد. پارسال هم که آقای فانی سر کار آمد، حق اضافه کار خرداد معلمان را به ۱۰ روز کاهش داد."

او تاکید کرد: "این تاخیر در پرداخت حق اضافه کار معلمان، به نگرانی نسبت به حذف کلی حق اضافه کار خرداد و احیانا اجرای برنامه ای مشابه برای حق اضافه کار اردیبهشت دامن زده است." این فعال حقوق صنفی معلمان در پایان از دولت یازدهم خواست اضافه کار خرداد معلمان را دوباره به ۳۰ روز کامل بازگرداند.

ارجاع شکایت مجلس از دولت به قوه قضاییه در پی اجرایی نشدن قانون استخدام مربیان پیش دبستانی

خانه ملت، ۱۳ آبان - نایب رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از ارجاع شکایت مربوط به مربیان پیش دبستانی و خرید خدمتی با موافقت کمیسیون متبوعش به قوه قضاییه خبر داد و گفت: "پیگیری چرایی اجرا نشدن قانون مصوب مجلس در خصوص مربیان پیش دبستانی هستیم." جبار کوچکی نژاد با انتقاد از اجرایی نشدن قانون مصوب مجلس در خصوص استخدام مربیان پیش دبستانی و خرید خدمتی گفت: "در پی بی توجهی دولت به این قانون، شکایت مربیان پیش دبستانی به قوه قضاییه ارجاع شد."

وی با بیان اینکه طبق قانون مصوب مجلس، دولت باید تا تاریخ ۱۷ مهر ۹۳ یعنی پایان مهلت دو ساله خود، آزمون استخدامی مربیان پیش دبستانی را برگزار می کرد، تصریح کرد: "بی توجهی به متن صریح قانون، مجلس را وادار به استفاده از ابزارهای قانونی خود همچون استفاده از ماده ۲۳۶ آیین نامه داخلی مجلس کرد."

عدم صدور دفترچه خدمات درمانی باوجود کسر حق بیمه از حقوق ماهیانه

بنا بر این گزارش، عده ای از معلمان برای شرکت در تجمع امروز کلاسهای درس خود را تعطیل کرده اند.

تجمع معلمان، پنج روز بعد از سووقصد منجر به قتل یک معلم به نام رضا سرگزی در شهرستان قصرقند در جنوب استان سیستان و بلوچستان برگزار شده است. این سووقصد با شلیک گلوله انجام شد و همایون امیری، رییس آموزش و پرورش قصرقند، ماهیت آن را "تروریستی" دانست.

در فروردین ماه گذشته، یک معلم دیگر در شهرستان سرباز در جنوب استان سیستان و بلوچستان با شلیک گلوله به قتل رسید.

در پی آن سووقصد، گروه "جیش العدل" با انتشار بیانیه ای اعلام کرد "در صورتی که فعالیتهای آموزشی و تدریسی در بلوچستان به بومیان واگذار نشود"، به اقدام علیه "واحدها و پرسنل غیربومی" خواهد پرداخت.

این گروه در ۲۱ فروردین ماه تهدید کرد "اکیپهایی را به این منظور به بخشهای مختلف بلوچستان اعزام خواهد کرد" و این اکیپها "ماموریت دارند با پرسنل غیر بومی برخورد کنند." با وجود این، گروه جیش العدل به طور رسمی مسوولیت قتل معلمهای کشته شده در استان سیستان و بلوچستان را قبول نکرده است.

فانی: تمام آتش سوزیها در مدارس به علت خطای انسانی بوده

ایسنا، ۱۰ آبان - وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به درخواست معاون بهداشت وزیر بهداشت در زمینه ساماندهی بخاریهای مدارس به ویژه حذف بخاریهای قطره ای، گفت: "تقریبا بخاری قطره ای نداریم. در عین حال آموزشهای لازم به معلمان و مربیان داده شده زیرا تمام اتفاقاتی که طی سالهای گذشته در این حوزه رخ داده، به خطاهای انسانی مربوط می شود." وی ادامه داد: "نزدیک به ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است تا کل سیستم گرمایشی مدارس اصلاح شود."

در طول ۱۷ سال گذشته ۶ مدرسه روستایی دچار سانحه آتش سوزی شده اند. در این آتش سوزیها ۶۳ دانش آموز دچار سوختگی شدید و ۴ دانش آموز هم جان خود را از دست داده اند. بر اساس آمار ارایه شده، علت اصلی آتش سوزی مدارس سیستم گرمایشی نامناسب بوده است.

پرداخت اضافه کاری معلمان ۴ ماه به تعویق افتاده است

ایرنا، ۱۱ آبان - یک فعال حقوق صنفی معلمان از تعویق چهار ماهه در پرداخت

تحمیل بخشی از سهم حق بیمه کارفرما به مربیان

ایرنا، ۴ آبان - در حالی که مربیان پیش دبستانی ۱۳ روز در ماه کار می کنند، سازمان تامین اجتماعی از مسوولان مدارس خواسته تا مربیان را به تعداد روزهای حضورشان در مدرسه (۲۲ روز) بیمه کنند.

مربیان پیش دبستانی می گویند مدیران تمامی حق بیمه این ۹ روز (مابه التفاوت ۱۳ تا ۲۲ روز) را از حقوق مربیان کسر می کنند.

یک مربی پیش دبستانی در ناحیه ۲ قزوین که نخواست نامش فاش شود در این باره گفت: "تعداد روزهای کاری مربیان پیش دبستانی در ماه ۱۳ روز کامل است، اما سازمان تامین اجتماعی با توجه به حضور ۵ روز در هفته مربیان در مدرسه، از موسسان پیش دبستانی خواسته که ما را ۲۲ روز در ماه بیمه کنند."

او با بیان اینکه مربیان پیش دبستانی بین قانون کار، کارفرمایان و سازمان تامین اجتماعی گیر افتاده اند، گفت: "مابه التفاوت ۱۳ روز کامل تا ۲۲ روزی که گفته شده است، ۹ روز می شود و بنابر گفته کارشناسان سازمان تامین اجتماعی، حق بیمه این ۹ روز باید بین کارفرما و کارگر تقسیم شود."

او در ادامه بیان کرد: "قوانین کار و تامین اجتماعی تاکید کرده که ۷۰ درصد حق بیمه بر عهده کارفرمایان و ۳۰ درصد مابقی بر عهده کارگران است، ولی مدیران پیش دبستانی از این موضوع سر باز می زنند و صد در صد حق بیمه این ۹ روز را از حقوق مربیان کم می کنند."

این مربی پیش دبستانی در پایان گفت: "وقتی این تخلف آشکار را به مدیران سازمان تامین اجتماعی گزارش می دهیم، می گویند شکایت کنید. اگر شکایت کنیم رابطه بدی بین ما و مدیران حکمفرما می شود. اداره آموزش و پرورش استان هم کاری نمی کند. ما مانده ایم و حقوق ۲۲۰ هزار تومانی."

تجمع اعتراضی معلمان در مقابل استانداری سیستان و بلوچستان

بی بی سی، ۴ آبان - بنابر گزارشهای رسیده از زاهدان، تعدادی از معلمان معترض به سووقصدهای مسلحانه اخیر در جنوب استان سیستان و بلوچستان، در مقابل استانداری تجمع کرده اند.

سایت "زاهدان پرس"، یکشنبه ۴ آبان خبر داد که تجمع کنندگان در مقابل استانداری سیستان و بلوچستان، خواستار "برقراری امنیت" در استان شده و نمایندگانی را برای گفتگو با مسوولان به استانداری فرستاده اند.

زنان در مسیر رهایی

سپیده سرشار

قطعه‌نامه حقوق بشر سازمان ملل؛ پایان توجیه فرهنگی و عرفی ازدواج خردسالان



روز جمعه (۲۱ نوامبر / ۳۰ آبان) یک کمیته تجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعه‌نامه ای همه کشورهای عضو را متعهد کرد که ازدواج کودکان را ممنوع و قوانین لازم برای پیشگیری و مجازات متخلف را تصویب و اجرا کنند. سازمان ملل متحد می گوید دیگر توجیه "فرهنگی و عرفی" برای ازدواج هیچ کودک زیر هجده سالی قابل پذیرش نیست. قطعه‌نامه برای تصویب نهایی به مجمع عمومی خواهد رفت. تنها ایران و سودان با این قطعه‌نامه مخالفت کردند.

در حال حاضر بیش از ۷۰۰ میلیون زن در سراسر جهان زیر سن ۱۸ سال ازدواج کرده اند. از این تعداد دستکم ۲۵۰ میلیون زن هنگام ازدواج زیر ۱۵ سال سن داشتند.

سازمان ملل متحد بارها در گزارشهای رسمی خود اعلام کرده که این گروه از زنان بیش از دیگر زنان در معرض خشونت خانگی قرار دارند، بسیاری از آنها از حق تحصیل برای همیشه محروم شدند و فقر در میان این زنان جدی تر است.

قتل ملکه زیبایی هندوراس و خواهرش به

دلیل حسادت

پلیس هندوراس دو مرد را در ارتباط با قتل "ماریا



خوزه آلوارادو"، ملکه زیبایی این کشور و خواهرش که هفته پیش ناپدید شدند، دستگیر کرده است. اجساد خانم آلوارادو، ۱۹ ساله و خواهرش صوفیا، ۲۳ ساله، در حالی که در کنار رودی در نزدیکی شهر "سانتا باربارا" در شمال کشور مدفون شده بودند، کشف شد.

پلیس ضمن آنکه انگیزه این جنایت را حسادت توصیف کرده، گفته است که دوست پسر صوفیا آلوارادو در زمان بازداشت اعتراف کرده که آنها را کشته و دفن کرده است.

ماریا آلوارادو برای شرکت در رقابتهای زن شایسته جهان در ماه دسامبر آماده می شد که ناگهان ناپدید شد.

سرکارگاه اداره پلیس ملی گفته است که متهم پس از دیدن دوست دخترش "هنگام رقصیدن با یک مرد دیگر یا حادثه ای از این نوع" از شدت حسادت

خواهر بزرگ تر را کشت و بعد خواهر کوچکتر را زد و آنها را دفن کرد. ژنرال "سابیلون"، سرکارگاه پلیس گفت که سلاح مورد استفاده در قتل و اتومبیلی که برای انتقال اجساد به کار برده شده را پیدا کرده اند. هندوراس از کشورهای فقیر آمریکای مرکزی است که خشونت‌های شدید به ویژه علیه زنان در آن رایج است. به گزارش سازمان ملل متحد، هندوراس بالاترین آمار سرانه قتل در جهان را دارد.

نجات دختر هلندی از فریب داعش توسط

مادرش

یک مادر هلندی در سفری پر مخاطره موفق شد دخترش را که برای ازدواج با یکی از جنگجویان گروه دولت اسلامی (داعش) به سوریه رفته بود، از شهر "رقه" برگرداند.

"عایشه"، یکی از زنان نوجوان اروپایی است که برای پیوستن به داعش به سوریه و عراق رفته اند. او در ماه فوریه هلند را برای ازدواج با "عمر ییلماز" که هلندی - ترک است و زمانی در ارتش هلند خدمت می کرد، ترک گفت.

"مونیک"، مادر عایشه ابتدا در ماه اکتبر به ترکیه رفت تا او را پیدا کند، اما نتوانست از مرز بگذرد. وی به تلویزیون هلند گفت که دخترش ظرف مدتی کوتاه از یک نوجوان شاداب هلندی به یک مسلمان رادیکال بدل شد. او از طریق شبکه های اجتماعی با عمر ییلماز در تماس بود و در نهایت عاشق او شد. مادر وی گفت: "او ییلماز را نوعی رابین هود می دید." پلیس از برنامه سفر عایشه به سوریه با خبر شد و گذرنامه او ضبط شد، اما او با استفاده از کارت شناسایی سفر کرد.

عایشه هفته پیش، بعد از ازدواج و سپس جدا شدن از عضو داعش، از مادرش درخواست کمک کرد و مونیک باوجود توصیه پلیس به شهر رقه سوریه، مفر داعش، سفر کرد.

شانس هیلری کلینتون برای انتخاب اولین

زن رییس جمهور آمریکا

پس از پایان انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا، رقابت برای تصاحب صندلی ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ آغاز شده است. اگر چه پیروزی جمهوری خواهان آنان را به آینده خوشبین کرده، اما خانم کلینتون ناامید نشده است.

پیش از انتخابات اخیر کنگره و سن، او به چهار گوشه آمریکا سفر کرد و دموکراتهایی را که ترجیح می دادند که در کنار او و رییس جمهور سابق، بیل کلینتون، دیده شوند و از باراک اوباما دوری کنند، مورد حمایت خود قرار داد. او طی این اقدامات توجه بسیاری را جلب کرد. از این رو جمهوریخواهان از هم اکنون به فکر استراتژی مناسب برای رقابت با کلینتون هستند.

"اس ای کاپ"، مفسر محافظه کار مقیم واشنگتن، می گوید "برنامه خانم کلینتون بر پایه یک انتخاب



تاریخی یا همان اولین رییس جمهور زن خواهد بود. پیامی که از تیم انتخاباتی او صادر خواهد شد این است که اگر از هیلری کلینتون حمایت نکنید، در برابر

تاریخ ایستاده اید، در برابر زنان ایستاده اید و با رفتن زنان به کاخ سفید مخالفت کنید.

شهرداری تهران جشنواره مد و پوشش

اسلامی برگزار می کند

مدیرکل امور بانوان شهرداری تهران با اشاره به برگزاری جشنواره تسنیم گفت: "در سال جاری به بخش خلاقیت‌های فرهنگی جشنواره تسنیم، بخش مد و پوشش اسلامی ایرانی اضافه شده است." جشنواره مد و پوشش اسلامی جمهوری اسلامی شامل بخشهایی مانند طراحی پوشش اجتماعی، طراحی پارچه، مسابقه عکس زن، شهر و فعالیت با پوشش اسلامی - ایرانی است.



سه هزار کارتن خواب زن در تهران

رییس کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر تهران روز جمعه ۳۰ آبان اعلام کرد که در پایتخت ایران بیش از سه هزار کارتن خواب زن سرگردان هستند.

رحمت الله حافظی از نمایندگان مجلس خواست موانع قانونی برای ساخت گرمخانه زنان در تهران را از میان بردارند. وی همچنین به وجود نزدیک به ۱۵ هزار کارتن خواب در تهران اشاره کرده و افزود: "در حال حاضر، تمام گرمخانه های شهر تهران برای مردان راه اندازی شده است و این در حالی است که زنان کارتن خواب به خصوص در فصل سرما به مراتب از آسیب پذیری بیشتری نسبت به مردان برخوردارند."

میانگین سن زنان کارتن خواب شهر به ۱۷ و ۱۸ سال کاهش یافته است. افزایش اعتیاد بین زنان از عوامل مهم پدیده کارتن خوابی زنان است.

محمدباقر قالیباف برای شستن دست حکومت از این ناهنجاریها، از کارتن خوابی به عنوان یکی از "جرائم خرد" یاد کرد و افزود: "دولت به دلیل مشغله کاری نمی تواند به چنین جرایم خردی رسیدگی کند؛ بنابراین، شهرداری باید در این زمینه وارد عمل شود و مشکل را برطرف کند."

فعال حقوق زنان و نماینده پارلمان افغانستان

از حمله انتحاری جان بدر برد

"شکریه بارکزی"، نماینده پارلمان افغانستان و از فعالان حقوق زنان در این کشور در کابل هدف سووقصدی انتحاری قرار گرفت و با جراحاتی مختصر جان به در برد. این حمله انتحاری سه کشته و شمار زیادی مجروح برجای گذاشت.

خانم بارکزی به دلیل فعالیتهای خود برای حقوق زنان در افغانستان پرواوزه است. وی در دوره حکومت طالبان در افغانستان، مدیریت مدرسه ای را برعهده داشت که مخفیانه دختران را آموزش می داد. این امر باعث شده که بسیاری از گروههای اسلام گرا و مسلمانان محافظه کار از او نفرت داشته باشند. به گفته خانم بارکزی، نیروهای افراطی او را تا کنون بارها به مرگ تهدید کرده اند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۰

بارکزی یکی از افراد مورد اعتماد "اشرف غنی"، رییس جمهوری تازه افغانستان است. وی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان نقش فعالی داشت و با وجود تهدیدهای طالبان، مردم را به شرکت در انتخابات تشویق می کرد.

عکسهای غنچه قوامی در میدانهای ورزشی،

خود او در زندان



غنچه قوامی، دختری که قصد تماشای بازی والیبال ایران و ایتالیا را داشت، همچنان در زندان است، اما معاون ورزش زنان وزارت ورزش اعلام کرده که ممنوعیتی برای ورود زنان به ورزشگاهها وجود ندارد. غنچه قوامی در اعتراض به حبس خود دست به اعتصاب غذا زده بود، اما پس از ۲۵ روز هنگامی که او هنوز در اعتصاب غذا بود، دادستان رژیم در تهران موضوع پرونده او را به علت اعتراضات گسترده جهانی به ویژه جامعه ورزشی، تغییر داده و اعلام کرد که اتهام قوامی "شرکت در سالن والیبال نیست" و "امنیتی" است.

بر اساس آخرین خبرها، سوسن مشتاقیان، مادر غنچه قوامی، اعلام کرده است که دخترش به یکسال حبس تعزیری محکوم شده و برای دو سال از ایران ممنوع الخروج گشته است.

غنچه قوامی، ۲۵ ساله، فارغ التحصیل رشته حقوق از دانشگاه "سواز" لندن است که اواخر سال ۱۳۹۲ پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت.

دختران، کودکان کار

"آدیزا" ده ساله، از خانه ای که صبح تا شب در آن کار می کرد و روزانه مورد ضرب و شتم صاحب خانه قرار می گرفت، فرار کرد.



سازمان جهانی کار (ILO) وابسته به سازمان ملل در ژنو اعلام کرد که در میان کودکان کار، اکثر آنان دخترانی زیر سن ۱۶ سال هستند که در خانه ها با شرایط سخت کار می کنند. این سازمان می افزاید، خدمتکاران خانگی استثمار شده ترین کارگران هستند و امنیت قانونی ندارند.

برای آزادی زنان فعال حقوق بشر در کامبوج



"تپ وانی" یک فعال حق زمین و حقوق بشر است که در کامبوج علیه فساد مبارزه می کند. او در سال ۲۰۱۳ در "رهبری آگاهی جهانی" صدای موثری داشت و از این جهت تقدیرنامه این سازمان را دریافت کرد.

در ماه نوامبر سال جاری ۷ زن از جمله وانی، به خاطر تظاهرات در برابر شهرداری به یک سال زندان و جریمه نقدی محکوم شدند.

یک اقدام جهانی علیه محکومیت این زندانیان سیاسی و دیگر زنان همزمزم وی اکنون در سراسر جهان در آدرس www.frontlinedefenders.org/TepVanny در جریان است.

برده داری مدرن در ۱۶۷ کشور با حدود ۳۶

میلیون قربانی

بنیاد "Walk Free" یک سازمان مدافع حقوق بشر در استرالیا است که درباره برده داری و تجارت انسان در سراسر جهان تحقیق می کند.

گزارش سالانه این سازمان از ۱۶۷ کشور تهیه شده و در آن گفته شده حدود ۳۶ میلیون زن، مرد و کودک در سراسر جهان در بردگی به سر می برند. برده داری مدرن (استثمار جنسی، کار اجباری یا ازدواج اجباری) در همه ۱۶۷ کشوری که تحقیقات در آن انجام گرفته، وجود دارد.

بیش از نیمی از موارد برده داری مدرن اما تنها در پنج کشور هند، چین، پاکستان، ازبکستان و روسیه مشاهده شده است.

حکومت جمهوری اسلامی از نظر شکاف

جنسیتی در انتهای لیست جهانی

"مجمع جهانی اقتصاد" گزارش سالانه خود درباره شکاف جنسیتی در سطح جهان را منتشر کرده است. این گزارش با تکیه بر آمار و داده های ۹ سال اخیر در چهار عرصه "مشارکت و فرصت اقتصادی"، "امکانات آموزشی"، "سلامت و بقا" و "مشارکت در تصمیم گیریهای سیاسی"، وضعیت برابری زنان و مردان در ۱۴۲ کشور جهان را ارزیابی می کند.

ایران در جدول رده بندی، رده ۱۳۷ را کسب کرده و به این ترتیب جزو کشورهای با کمترین میزان برابری جنسیتی قرار گرفته است. تنها مالی، سوریه، چاد، پاکستان و یمن رده های نازل تری از جمهوری اسلامی دارند.

به گزارش سال ۲۰۱۴ "مجمع جهانی اقتصاد"، ایران از نظر شکاف جنسیتی ای که در زمینه فرصت و مشارکت اقتصادی برای زنان وجود دارد، در رده ۱۳۹ جدول قرار می گیرد. از نظر امکانات آموزشی، ایران در رده ۱۰۴، از نظر سلامت و بقا در رده ۸۹ و از نظر مشارکت زنان در تصمیم گیریهای سیاسی در رده ۱۳۵ جدول قرار دارد.

محکومیت نرّم مرتضوی جنایتکار

زینت میرهاشمی

خبرگزاریهای حکومتی، روز شنبه ۲۴ آبان ار محکومیت سعید مرتضوی به انفصال دائم از مشاغل قضایی و محرومیت ۵ ساله از مشاغل دولتی خبر دادند. حکم اعلام شده دیوان عالی رژیم در مورد پرونده کهریزک از میان دهها پرونده علیه مرتضوی جنایتکار است.

در پی شکایت خانواده های سه تن از قربانیان کهریزک، مرتضوی به عنوان متهم اصلی پرونده کهریزک دادگاهی شد. مرتضوی چهره منفوری است که قاتل بسیاری از زندانیان سیاسی و منجمله زنده یاد زهرا کاظمی است. وی باید در دادگاهی مستقل و ذیصلاح و با شرکت خانواده های قربانیان محاکمه شود. هنگامی که مرتضوی به عنوان چهره ای منفور و قاتل در جامعه مطرح شد و از شغل قبلی اش جا به جا شد، احمدی نژاد با توپ پُر به حمایت از او برخاست. در همان هنگام خامنه ای احمدی نژاد را حمایت می کرد. احمدی نژاد این قاتل را در راس سازمان تامین اجتماعی برگمارد و دست او را برای دزدیهای کلان باز گذاشت و برای حفظ مرتضوی از گزند «باند لاریجانی» ها سازماندهی تامین اجتماعی را تغییر داد.



احمدی نژاد در جدال با باند لاریجانی، فیلم ملاقات یکی از برادران لاریجانی با مرتضوی را در جلسه استیضاح مجلس پخش کرد. پخش این فیلم خشم لاریجانی را برانگیخت. آن روز به روز سیاه برای رژیم تبدیل شد و کمی پس از آن خامنه ای هر دو جناح را سرزنش کرد.

اکنون که برای جنایتهای بیشمار سعید مرتضوی مجازات ضعیفی تعیین شده می توان گفت که پرونده یک قاتل ماست مالی شد و البته از نهادهای که زیر امر ولی فقیه اداره می شود نمی توان توقع رسیدگی عادلانه برای جنایتهای سعید مرتضوی داشت.

در حالی که زنده یاد ریحانه جباری به جرم قتل که ثابت هم نشد به دار آویخته شد، سعید مرتضوی با خیال راحت به کسب و کار غیر دولتی خواهد پرداخت و از اموال عمومی که در دوران ریاستش بر سازمان تامین اجتماعی به جیب زده، خود را برای ۵ سال آینده آماده می کند.

به گزارش تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، مرتضوی در روز جمعه ۲۲ آبان در اعتراض به نحوه رسیدگی به پرونده اش گفته: «این اتفاق در دیوان عالی کشور نادر و بی سابقه بوده و موارد ذیل به عنوان مطالب خلاف عرف، قانون و شرع مقدس اسلام در آن کاملاً مشهود است». بر اساس همین منبع وی گفته است که «بر اساس آنچه شنیده ام یک قاضی بازنشسته را مامور کردند که ظرف یکی دو هفته آینده رای محکومیت ما را تایید کند.»

مرتضوی با گفتن کلمه «ما» و مامور دانستن «قاضی بازنشسته»، به این که حکم صادر شده نتیجه دعوای دو باند احمدی نژاد و لاریجانی است، صحنه گذاشت. فراسوی خبر یکشنبه ۲۵ آبان

صادق هدایت، طلایه دار نسلها

م. وحیدی

در "وق وق صاحب" و "ولنگاری" منعکس می‌کند و به خاطر دل‌بستگی به میهن "پروین، دختر ساسان"، "مازیار" و "سایه مغول" را می‌نویسد و یا ترجمه ای را بهانه می‌کند و زبان کافکا را به عاریت می‌گیرد و با او مانوس می‌شود و از وی تأثیر می‌پذیرد. پیام کافکا، پیام هدایت است.

هدایت به آنچه که می‌گفت و می‌نوشت ایمان داشت و به چیزی که نمی‌خواست تن نمی‌داد. برای او زندگی تنها خوردن و خوابیدن و تخم و ترکه پس انداختن و راست و ریس کردن حساب پانکی نبود. او زندگی را در پویایی آن می‌دید و زبانش، زبان واقعیت و یقین بود. او خصم تعصبات و خرافات، رسوم و سنن ارتجاعی و قرار دادی و قید بندهای اجتماعی و رسوبات باقیمانده مذهبی در اذهان جامعه بود. جامعه ای که قرن‌هاست در یک دور باطل می‌چرخد، و نظام ارزشها و هنجارهای منسوخ شده آن تکرار می‌گردد.

هدایت پیوند استبداد را با تسلط مذهبی، بسیار خوب می‌فهمید و آن را در "توپ مروارید"، "البعثة الاسلامیه" و "حاجی آقا" نشان داد. او بوی گنداب جامعه متحجر را می‌فهمید و بی آنکه با جانوران و حشرات حوزه های علمیه و مدارس علوم دینی حشر و نشری داشته باشد، همه را به روشنی می‌شناخت. او این فاجعه را فهمیده بود و خوب پیش بینی کرده بود. روشنفکری بود که دم به دم تله نداده بود و سر تسلیم بر برابر هیچ قدرتی فرود نیاورد. او اگر امروز زنده بود رو در روی رژیم جمهوری اسلامی می‌ایستاد، هم با قلم و هم با اسلحه. او اعتراض و تسلیم نشدن را به همگان آموخت. خاطره اش گرمی و نامش همواره بزرگ باد!

یاد داشته‌ها:

- دکتر غلامحسین ساعدی
سخنرانی بر سر مزار هدایت سال ۶۲
- تقی مدرس، یاد نامه،
بکوشش علی دهباشی
* جمال میر صادقی، محقق و قصه نویس معاصر معتقد است: "اساساً غربیها، داستان نویسی ایران را با هدایت وبوف کوروش می‌شناسند و اول بار آنها این اثر ارزشمند را به ما شناساندند."
* در مورد بوف کور، "آندره برتون" از پیشگامان سور آلیسم گفته است: "اگر چیزی به عنوان شاهکار وجود دارد، همین است" و "بودلر" در همان زمان گفت: "او مثل یک تندیس بر بالای سکوی میدان ادبیات معاصر ایران ایستاده است و نیز لازم است نویسندگان، همواره به اقدام او، کلاه از سر بردارند و هرگز سکوت نکنند."

توانستند جایی در محیط هنری برای خود باز کنند، کم و بیش تأثیر او را در آثار خود پذیرفتند. در بین این نویسندگان که بعد ها هر کدام راه مستقلی پیش گرفتند، باید از "بزرگ علوی" و "صادق چوبک" نام برد. اگرچه در اوایل کارهای علوی به پای آثار هدایت نمی‌رسید ولی چوبک با داستانهای "خیمه شب بازی"، "مردی در قفس" و "عنتری که لوطی اش مرده بود"، از همان ابتدا نشان داد که درسهای ارزنده ای از هدایت گرفته است.

در داستانهای هدایت، نویسنده پشت صورت‌های مجازی قهرمان پنهان شده و به جای او حرف می‌زند و از این که پیکر عواطف و ایده های بشری اش راه، مشتی کرم وحشره و بالاخره رجاله می‌خورند، فریاد می‌کشد. فریاد او، گاهی به شکل طنز گزنده و گاهی خنده های عصبی و گاهی تف انداختن به صورت اجتماع و یا به صورت ستایش از گذشتگان در می‌آید. هدایت حس می‌کرد بین او و دیگران فاصله عمیقی است و کسی نمی‌تواند با او همصدا باشد. او قبل از هر چیزی، انسانی بود که زخمهای تن بشریت و محیط خود را به وضوح می‌دید و به خاطر انسانیت و بشر دوستی، به تمام این نارواییها کینه می‌ورزید و دندان خشم نشان می‌داد. "توپ مروارید" نشانه روح مبارزه ورام نشدنی او در مقابل راهزنانی که به حریم شرافت انسانی دستبرد زده اند است.

نطفه اصلی "بوف کور" که از ستونهای محکم ادبیات معاصر به شمار می‌رود، ابتدا به صورت داستان کوتاهی به زبان فرانسه منتشر کرد و بعد، در اوج آشفتنگی و شکفتگی، "بوف کور" را نوشت که در دوران خود به نحو بی نظیری از آن استقبال شد. سورآلیسمی زیبا و جذاب که ناهمگونی و ناهنجاری مناسبات جامعه و زندگی و غلبان روحی او و هیجانهای سرکش در عصر استبداد را به تصویر می‌کشد. شعری که به نثر نوشته شده و در آن بسیاری از سرخوردگیها، حرمانها، تیره روزیها و مسایلی ابدی حل نشده، گنجانده شده است. واقعیت این است که بر اثر قدرتی که "بوف کور" در فضای ادبی ایران ایجاد کرد، بعدها یک سلسله نوشته هایی به وجود آمد که به علت نبودن نقد صحیح باید آنها را نوشته های "بوف کوری" نامید.

طنز هدایت اما گزنده و محکوم کننده است. به سخره گرفتن هر نوع تسلط و استقرار هر نوع چارچوب و نتایج آن را

«واپسین نوشته های خود را پاره کرد و گفت "برای که بنویسم؟».

در ایران نقدها بر سر هدایت این بود که توده ای است یا نیست؟ یا عفت کلام نداشت. روشنفکران نان به نرخ روز خور و سیاست باز نتوانستند با او همگام و همصدا شوند، چرا که با حزب توده در افتاده بود و به هدفهای سیاسی استالینی و ارزشهای هنری ژادانی تن نمی‌داد. بدین سان طردش کردند و او تنها ماند. هدایت گفته بود: "چه خوب بود می‌توانستم افکارم را به دیگری بفهمانم."



او از بیست سالگی نوشتن را آغاز کرد. مدتی بعد برای ادامه تحصیل به خارجه رفت، اما خوانده و ناخوانده، به وطن باز گشت و به نوشتن ادامه داد و از نخبه روشنفکران زمان خود شد.

صادق هدایت شخصیت ادبی پیشرو ایران بود. مترقی ترین و مؤثر ترین نویسنده ایرانی در نیمه اول قرن بیستم. نگاه ژرف بین او، عناصر بنیادین عقب ماندگی را که در اذهان شکل گرفته و گاه باعث فریب آنها می‌شد، آشکار و عیان می‌ساخت. او با برگرفتن از واقعیات جامعه، نظام ارزشهای کهنه و جا افتاده و مسخ شده را به سخره گرفت و ماهیت آنها را جلوی چشم همگان قرار داد. او طلایه دار نسلهایی است که از پی هم می‌آیند.

راهی که به نویسندگان آینده نشان داد، مستقل بود و از لحاظ کیفی نیز، نوع داستانهای او، به کلی از نوع داستانهای جمال زاده جدا و منفک است. او در ادبیات معاصر ایران صاحب موقعیتی استثنایی و ممتاز گشت. هدایت علاوه بر آن که راه تازه ای نشان داد و سنگ نخستین بنای داستان نویسی به سبک اروپایی را در ایران بنیان گذاشت، افقهای جدیدی در داستان نویسی گشود. هدایت بیش از هر چیز نماینده جوانانی بود که در میان فریبها، نارواییها و گمراهیها مضطرب و مأیوس به دنیای ذهنی خود پناه می‌بردند. اثر انگشت هدایت در تمام آثاری که در آن دوره و بعد از آن به وجود آمد به خوبی پیداست. تمام نویسندگانی که بعدها

پرنده ای ناآرام
در غروب ایستاده سینه بر موجهای تیره
می‌کوبد
کدام ساحل

آوازش می‌دهد؟

کدام صخره؟
کدام مهتاب؟
کس قدم نمی‌زند
در سیاهه ماسه های شب
ماهیان پیر
با لبان خشک چاک چاک
ریشه های خود را
می‌جویند

و صدفهای خالی
ابعاد عاصی مرگ خویش را
در شوره زاران کهن
تقسیم می‌کنند

زمرمه ای بود، نه! فریادی در فراز و نشیب شب و سکوت و تنهایی، شعله ای درخشان، در منظر هراسناکی راه. دریچه ای روشن و پر آواز که تار و پود لحظه ها را می‌لرزاند و چون رودباران پر شتاب، مردابها را می‌ریواند و با خود می‌برد و زمین را از رایحه دانایی و رویش می‌انباشت. تند بادی عاصی و شرر انگیز، که فصلهای سرد پاییزی را از بنیان می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. بهاری نیامده که شاخه ها و شکوفه های در گذار جاده ها، طعم نور و آزادی می‌داد.....

صادق هدایت، بیش از هر نویسنده دیگری جهانی است و داستانهای اش برای جهانیان قابل درک اما همچنان در پرده ابهامی که دور زندگی، شخصیت و آثارش پیچیده شده است، بکر و دست نخورده باقی مانده است. هنوز تحلیل جامع و درستی از او و اجتماعی که در آن زندگی می‌کرد و تأثیری که وی بر روی معاصران و روشنفکران دوره بعد گذاشت ارائه نشده است. مردی آزاده که با شهامت و شجاعتی که داشت، خود نقطه پایان زندگی اش را گذاشت. بدان سان که مشت بر سینه زندگی نکبتبار طبقه آلوده خویش زد و مشت محکم تری نیز بر سینه مرگ اجباری زد. او بر قله آگاهی وهوشیاری زمان خود ایستاده بود و چشمهای تیز بینش همه جا را می‌پایید. آثار او از مرزهای ملی و میهنی فراتر رفته و وارد قلمرو فرهنگ و ادب ملت‌های دیگر شده است. واقعیت این است که وزن و ارزش او بیش از اینهاست که بتوان با تحریر چند خط، حق مطلب را به جا آورد.

او در وطن خویش غریب بود و نا سازگار و نمی‌توانست اندیشه های اش را به درون جامعه برد. فرهنگ حاکم، راه را بر اندیشه او بسته بود. "م فرزانه" از دوستان نزدیک او گفته است:

اخبار کارورزان سلامت

امید برهانی

خلاف ادعای وزارت بهداشت از جیب مردم پرداخت می شود، چرا که قرار بود یارانه ها افزایش یابد، اما این افزایش اتفاق نیفتاد و این مبلغ از طریق ۱۰ درصد کمک هدفمندی یارانه ها به نظام سلامت داده شد.

وی درباره ادعای کاهش هزینه های مردم از ۱۰ درصد به ۶ درصد نیز می افزاید: "مثلا قیمت یک خدمتی که ۴۰ هزار تومان بوده و ۱۰ درصد آن ۴ هزار تومان می شده، با افزایش تعرفه ها به حدود ۱۸۰ هزار تومان می رسد که ۱۰ درصدش می شود ۱۸ هزار تومان و ۶ درصد آن حدود ۱۲ هزار تومان می شود. به عبارتی این ۶ درصد به مراتب از ۱۰ درصد قبلی بیشتر است."

بنا به تاکید این عضو شورای عالی نظام پرستاری، تمام این قضایا مربوط به بخشهای دولتی می شود و کسانی که به مطبها، کلینیکها، پاراکلینیکها و درمانگاهها و بیمارستانهای خصوصی مراجعه می کنند، باید تمام این هزینه ها را پرداخت کنند.

تامین منافع همگانی، نه یک

گروه خاص

خانه پرستار، ۶ آبان - محمد شریفی مقدم گفت: "برخی در وزارت بهداشت سعی دارند مرحله سوم طرح تحول سلامت را به شکلی عوامفریبانه توجیه کنند و انتقادهای جامعه پرستاری در خصوص عدد و رقم تعرفه های پزشکی و فاصله آن با سایر کارکنان نظام سلامت را اقدامی جنجال انگیز عنوان کنند."

وی افزود: بسیاری از پزشکان متخصص به خصوص آنها که در مناطق محروم هستند و پزشکان تمام وقت دو نوع ضربی دارند. در این میان یک اتفاق مالی می افتد و آن اینکه ۶۵ درصد از این حق العمل مستقیم به جیب پزشک معالجه می رود که اسم مریض به نامش است. از ۲۵ درصد باقیمانده اول هم ۵ درصدش به حساب دانشگاه می رود که دانشگاه هم این ۵ درصد را بین هیات علمی دانشگاه توزیع می کند. از ۳۰ درصد بقیه هم، ۱۰ درصد متعلق به بیمارستان است و ۲۰ درصد باقیمانده بین تمام پرسنل بیمارستان تقسیم می شود و به این ترتیب از درآمد بیمارستان، ۸۰ درصد به جیب پزشکان متخصص می رود که حدود ۷ درصد کادر بیمارستان را تشکیل می دهند و ۲۰ درصد درآمد بین ۹۳ درصد سایر کارکنان شامل پزشک عمومی، پرستار، بهیار، تکنسین و نگهبان تقسیم می شود. یک ضربی ترجیحی هم داریم که ۹۰ درصد آن به جراح می رسد. ۱۰ درصد باقیمانده به

کتابی جنجالی که ۱۵۰۰ میلیارد

تومان نصیب پزشکان می کند

جوان آنلاین، ۵ آبان - ابلاغ اجرای مفاد کتاب "ارزشهای نسبی سلامت جمهوری اسلامی ایران در سال ۹۳" آغاز سومین مرحله از طرح تحول سلامت است؛ کتابی است که هر چند به زعم وزیر بهداشت از خدمات جامعه پزشکی صیانت می کند، اما از همان روزهای نخست ابلاغ جنجال آفرین شده و شکاف میان پزشکان و پرستاران را از قبل عمیق تر کرده است.

قرار است با اجرای مفاد این کتاب بیش از ۳۰۰ خدمت جدید تحت پوشش بیمه قرار بگیرد و پرداختی مردم بابت خدمات سلامت در بخشهای دولتی و خصوصی کاهش یابد. اما افزایش قابل ملاحظه تعرفه خدمات پزشکی از ۴۰ تا ۳۰۰ درصد در کنار ثابت ماندن نرخ خدمات پرستاران یا دیگر گروههای شاغل در نظام بهداشت و درمان، حاشیه های پر رنگی را بر متن این کتاب جنجالی شکل داده است.

تعرفه های غیر واقعی درمان یکی از چالشهای قدیمی نظام سلامت است که حالا با کتاب جدید تعرفه ها محقق می شود. به گفته معاون درمان، وزارت بهداشت از شروع کار دولت یازدهم مصمم شد برای واقعی کردن تعرفه های پزشکی دست به اقدامات مهمی بزند. چرا که کتاب تعرفه گذاری خدمات پزشکی کالیفرنیا که در کشور آمریکا منسوخ شده، ۲۰ سال است در کشور ما اجرا می شود، در حالی که طی این مدت و در عرصه خدمات پزشکی تغییرات زیادی ایجاد شده است. به گفته وی، بزرگ ترین دستاورد کتاب جدید تعرفه گذاری خدمات پزشکی واقعی شدن تعرفه ها به منظور حذف زیر میزی در بخشهای دولتی و خصوصی است.

بر اساس سخنان رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اجرای مفاد کتاب تعرفه ها برای طرح تحول سلامت ۱۵۰۰ میلیارد تومان بار مالی دارد. به باور حسینعلی شهریاری باید تعرفه های واقعی دیده می شد؛ این اتفاق افتاد اما تبعیض بین پزشک و پیراپزشک ایجاد شده و باید دید تا چه زمانی می توان این بار مالی را تامین کرد. بنابراین نباید خوشحال باشیم که آن را از منابع دولت برمی داریم، چون برداشتن این اعتبارات باعث کاهش اعتبارات دستگاههای دیگر می شود و نباید توقعاتی برای مردم ایجاد کنیم که شدنی نباشد.

بنا به تاکید دکتر شمس الدین شمس، عضو شورای عالی نظام پرستاری، در واقع اعتبارات اجرای این کتاب هم بر

حساب بیمارستانی می رود که امکانات را در اختیار قرار داده است."

وی ادامه داد: "این وضعیتی است که در پرداخت کارانه ها در بیمارستانهای دولتی در حال وقوع است، به طوری که به طور متوسط کارانه یک پزشک ۳۰ میلیون تومان است و کارانه پرستار ۱۵۰ هزار تومان است و این نشان از فاصله ای ۲۰۰ برابری دارد البته اگر بخواهیم این موضوع را با بهیاری که ۲۰ هزار تومان کارانه می گیرد مقایسه کنیم، فاصله ها از این هم بیشتر می شود." عضو شورای عالی نظام پرستاری با رد ادعای وزارت بهداشت مبنی بر کاهش سهم مردم از پرداختیها به رغم افزایش تعرفه های پزشکی گفت: "بنده آمار دارم که مثلا تعرفه عمل آپاندیس ۳۰۰ درصد رشد داشته است، چطور سهم مردم ثابت مانده است؟"

تجمع پرستاران در برابر مجلس

خبرده، ۷ آبان - جمع کثیری از پرستاران کشور روز ۷ آبان مقابل درب شمالی مجلس اعتراض خود را نسبت به عدم ایفای مطالبات و عدم تناسب دستمزد با کار خود نشان دادند. پرستاران ضمن انتقاد به احتساب حقوق پزشکان بر مبنای کتاب پزشکی آمریکا، مبنای حقوق خود را محاسبه با کتاب نظام پزشکی افغانستان اعلام کردند.

از آنجایی که این تجمع با جلسه رای اعتماد به وزیر علوم همزمان شده بود، مدت آن طولانی تر شد چرا که پرستاران منتظر عکس العمل نمایندگان با حضور در تجمع شدند. پرستاران یاد شده خواستار اجرای بی قید و شرط قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری مصوب سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی بودند.

یکی از معترضان در این تجمع با اشاره به افزایش تعرفه پزشکان گفت: مسوولان یکشنبه قانون نظام پزشکی کالیفرنیا را بدون توجه به مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی وضع و اجرایی کردند. متأسفانه در کنار این مشکل پرستاران، ساعات کاری آنها از سوی بیمارستان بدون توجه به ضوابط افزایش داده شده به طوری که پرستاران به صورت شبانه روزی سر کار هستند."

یکی از تجمع کنندگان با اشاره به مهاجرت پرستاران به کانادا خاطرنشان کرد: "علت این موضوع مزایا و حقوق بالا و جذب پرستاران ایرانی است، بر این اساس تا زمانی که قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاران اجرایی نشود، شاهد اینگونه مشکلات خواهیم بود." معترضان در بیانیه ای که در پایان این تجمع صادر شد، خواسته های خود را به این ترتیب اعلام کردند

۱- اجرای بی قید و شرط قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری که بیش از هفت سال از تصویب آن در مجلس هفتم می گذرد

۲- اجرای عدالت در پرداختها بین کلیه تیم درمان اعم از پزشکان و پرستاران و ...

۳- مسوولیتهایی که مربوط به پرستاران است و در حال حاضر به ناحق در اختیار عده ای خاص به جز پرستاران قرار دارد، باید به اعضای تیم پرستاری برگردد

۴- انتخاب و حضور نمایندگان پرستاری در کارگروهها و جلساتی که مبنای تصمیم گیری در مورد پرستاری است تا عده ای تمامیت طلب که عدم حسن نیت شان بر پرستاران پوشیده نیست، نتوانند اجحاف در حق این قشر را ادامه دهند

غیبت پزشکان متخصص در

اورژانسهای دولتی

سلامت نیوز، ۸ آبان - اورژانس مثل همیشه شلوغ است، با اجرای طرح تحول نظام سلامت حتی کمی بیشتر از همیشه.

بیماران با شلوغی اورژانسها مدارا می کنند، با کمبود تخت، با پرستارانی که فرصت نمی کنند به همه شان رسیدگی کنند. اما با نبود و تاخیر پزشک متخصص، ویزیت بیمارشان از سوی رزیدنتها و انترنهای نمی توانند مدارا کنند. آنها می خواهند بیمارشان در کمترین زمان ممکن ویزیت شود، بیماری اش، مشکل اش، درد اش، زود تشخیص داده شود، درمان شود. این انتظار بیماران و همراه شان است، همانها که از زمان ورود بیمار به اورژانس، همراهی اش می کنند و از نزدیک شاهد تمام اتفاقات هستند. پزشک نه بیمار را دیده و نه حتی تشخیصی داده شده که مشکل اش چیست.

رزیدنتهای جوان با روپوش سفیدی که به تن دارند، بالای سر بیماران هستند، بیماران اما می دانند آنها پزشک متخصص نیستند و درحال گذراندن دوره آموزشی شان هستند، این بیماران را قانع نمی کند. "چند بار سراغ پزشک متخصص را گرفته ایم، اما به ما می گویند یکی، دو ساعت دیگر می آیند. هنوز هم خبری نشده."

این وضع بیشتر بیمارستانهای دولتی است، چه آنها که درمانی هستند و چه آنها که آموزشی و پُر از رزیدنت و انترن. اورژانس یکی دیگر از بیمارستانهای دولتی در جنوب پایتخت هم شلوغ است، مسوول اورژانس از همان جلوی در به بیمار می گوید: "الان پزشک متخصص نداریم، فقط رزیدنت و انترن داریم."

این مسوول حتی تاکید کرده که می توانند به بیمارستان دیگری مراجعه کنند، "شاید آن جا پزشک متخصص باشد." هیچکس هم نمی داند تکلیف بیماران بدحالی که بدون حضور پزشک متخصص به اورژانس منتقل می شوند، چیست.

بقیه در صفحه ۱۴

اخبار کارورزان سلامت

بقیه از صفحه ۱۳

این تنها گلایه بیماران نیست، پرستاران هم از این وضع انتقاد دارند. براساس طرح تحول نظام سلامت، پزشکان متخصص باید ۲۴ ساعته در بیمارستانهای دولتی حضور داشته باشند، اما متأسفانه در بیشتر موارد این اتفاق نمی افتد.

کمبود نیرو و کار دو برابر پرستاران

بیمارستانی در جیرفت

ایلنا، ۱۰ آبان - رییس دانشگاه علوم پزشکی جیرفت گفت: پرستاران به دلیل کمبود نیروی پرستاری در این منطقه دو برابر خود کار می کنند.

محمدرضا محمدی ساردو، در جمع پرستاران جیرفت با حضور رییس کل سازمان نظام پرستاری کشور افزود: بیمارستان امام جیرفت ۱۲۰ تخت مصوب دارد که در حال حاضر ۲۴۰ تخت فعال مورد استفاده قرار می گیرد و این در حالی است که نیروی اختصاص یافته به این بیمارستان براساس ۱۲۰ تخت است و این مساله موجب شده کار پرستاران چند برابر ظرفیت آنها باشد.

تجمع دانشجویان مامایی و پرستاری

دانشگاه آزاد دزفول

ایرنا، ۲۰ آبان - جمعی از دانشجویان رشته مامایی و پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول در اعتراض به افزایش شهریه عنوان کردند، تجمع کردند.

این دانشجویان با تجمع در دانشکده پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول خواستار جلوگیری از افزایش شهریه شدند.

رییس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول در خصوص این تجمع گفت: افزایش شهریه رشته مامایی و پرستاری در شهریور امسال اعلام شده است و دخل و تصرف در شهریه به هیچ وجه امکان پذیر نبوده و اعتراض دانشجویان بی مورد است.

۱۷ هزار دانشجویی در ۱۰۴ رشته تحصیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول مشغول تحصیل هستند.

دبیرکل خانه پرستار تبعید شد

سلامت نیوز، ۲۴ آبان - به دنبال تجمع اعتراضی پرستاران در برابر مجلس، هیات تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی تهران، محمد شریفی مقدم را به تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک سال محکوم کرد.

در متن این حکم آمده است: "این محکومیت به اتهامات نقض قوانین و مقررات، شرکت در تحصن و اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی و تحریک به برپایی تحصن و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی است."

محمد شریفی مقدم در باره محکومیت خود گفت: "عامل این تجنعات خود مسوولان مجتمع بیمارستانی امام خمینی و دانشگاه تهران بودند، چرا که بار اول ده درصد اضافه کاری پرستاران را کم کردند که منجر به تجمع پرستاران شد و در بار دوم نیز کارانه پرستاران را کم کردند که باعث شد پرستاران مجدداً تجمع کنند. من به عنوان عضو شورای نظام پرستاری نه به عنوان سوپروایزر بیمارستان در بین تجمع کنندگان رفتم تا دلیل این تجنعات را جويا شده و بدانم صحبت‌های آنها چه بوده است. صحبت‌های من در جمع تجمع کنندگان کاملاً حقوقی بوده و هیچ بار حقوقی نداشته است."

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آبان ۱۳۹۳

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۶۷ حرکت اعتراضی

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارفرما برای اعمال فشار بر کارگران از روز سه شنبه ۲۹ مهر کارخانه را تعطیل اعلام کرد و از ورود کارگران به کارخانه جلوگیری کرد.

*در روز شنبه ۳ آبان و در سی و نهمین روز از آغاز اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا، ۱۴ تن از کارگران اخراجی این کارخانه به اداره کار شهرستان رودبار شکایت کردند. به گزارش ایلنا، سهام داران این کارخانه تا کنون حداقل ۲۰ کارگری که از تیرماه بدون قرار داد و بیمه استخدام شده بودند را بدون پرداخت مطالبات ۴ ماه گذشته شان اخراج کردند.

*حدود ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز، روز شنبه ۳ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق و نامشخص بودن وضعیت کارخانه مقابل درب ورودی این واحد صنعتی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پس از خروج کارگران از کارخانه، فرماندار تبریز و رییس اداره کار این شهر برای جلوگیری از تشدید این اعتراض صنفی در جمع کارگران حاضر شدند.



Photo:ilna

Iranian Labour News Agency

مطالبات معوقه دارند.

*کارگران یکی از شرکت‌های پیمانکاری «پتروشیمی رازی» که برای وعده غذایی ظهر روز جمعه ۲ آبان، کنسرو تن ماهی تاریخ مصرف گذشته دریافت کرده بودند، در اقدامی اعتراض‌آمیز در روز یکشنبه ۴ آبان، از خوردن غذا امتناع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت «پیشگامان فن اندیش تهران»، پیمانکار نگهداری و تعمیرات تعدادی از واحدهای «پتروشیمی رازی» است.

*جمعی از کارمندان سازمان محیط زیست استان ایلام در اعتراض به اخراج شان از این سازمان در روز یکشنبه ۴ آبان در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، تجمع کنندگان بدون عذر موچهی از سازمان حفاظت محیط زیست اخراج شده اند.

بقیه در صفحه ۱۵

*صبح روز پنج شنبه ۱ آبان در سی و هفتمین روز از آغاز اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا، مدیر مالی کارخانه حداقل ۲۰ کارگر قراردادی را به دستور سهامداران اصلی اخراج کرد. به گزارش ایلنا، ۱۶۰ کارگر کارخانه کاشی گیلانا به دلیل عدم دریافت بیش از ۱۶ ماه حقوق معوقه، ۳۷ روز است که دست از کار کشیده‌اند.

*اعتصاب هزار و ۱۰۰ کارگر نورد و لوله صفا (واقع در شهرستان ساوه) در اعتراض به تعویق سه ماهه حقوق، در روز پنجشنبه ۱ آبان ادامه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، کارفرما در پی تشدید اعتراضات کارگران اعتصابی از روز سه شنبه ۲۹ مهر از ورود آنان به کارخانه ممانعت کرد.

*کارگران و بازنشستگان نساجی مازندران صبح روز پنج شنبه ۱ آبان برای سومین روز متوالی مقابل فرمانداری قائمشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این واحد تولیدی حدود ۱۵ میلیارد تومان

*برای چندمین بار در طول ماه‌های اخیر، بسیاری از متقاضیان مسکن مهر در اعتراض به عملکرد ضعیف مسئولان مربوطه، روز پنجشنبه ۱ آبان در مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این اعتراضات در حالی انجام می گیرد که مسئولان امر بارها از حل مشکلات موجود خبر داده اند، ولی تاکنون به هیچ یک از این وعده‌ها جامعه عمل پوشانده نشده است.

*اعتصاب نزدیک هزار و صد کارگر نورد لوله صفا در روز شنبه ۳ آبان وارد وارد هشتمین روز خود شد. این کارگران مدت چهار ماه است دستمزدی دریافت نکرده و ۱۴ ماه است که دفترچه های درمانی آنان به دلیل عدم واریز هزینه های بیمه به حساب سازمان تامین اجتماعی تمدید نشده است.



Photo:Ilina

Iranian Labour News Agency

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آبان ۱۳۹۳

بقیه از صفحه ۱۴

*به گزارش روز دوشنبه ۵ آبان کانون مدافعان حقوق کارگر، چند صد تن از کارگران کارخانه یک و یک دشت مرغاب واقع در استان فارس، که ماههاست حقوق دریافت نکرده اند، بار دیگر با هدف اعتراض به عدم رسیدگی به حق و حقوق خود دست از کار کشیدند و به همراه خانواده های شان در محل کارخانه تجمع کردند.

*به گزارش ایلنا، تعدادی از کارگران ابفای آبادان که حقوق ۵ ماه را دریافت نکرده اند در پی تداوم بی‌توجهی کارفرمایان به مطالبات شان صبح روز دوشنبه ۵ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان طی ۵ ماه گذشته و اخراج نماینده شان، مقابل ساختمان مرکزی شرکت آب و فاضلاب آبادان تجمع کردند.

*به گزارش ایلنا، روز سه شنبه ۶ آبان در چهل و دومین روز اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا دو مدیر کارخانه کاشی گیلانا که همراه اعتصاب یک ماه گذشته کارگران بوده‌اند، برای دومین بار به اتهام تمدد از اجرای حکم قضایی توقیف اموال کارخانه به دادسرای شهرستان رودبار احضار شدند.

*روز سه شنبه ۶ آبان، کارگران معدن زغال سنگ جو در اعتراض به اخراج و تاخیر در پرداخت حقوق مقابل فرمانداری زرنند تجمع کردند. به گزارش صدای زرنند، کارگران معدن زغال سنگ جو واقع در زرنند کرمان خواستار تسریع در رسیدگی به شرایط استخدامی شان شدند.

در حال حاضر ۴۷۰ کارگر در این شرکت کار می کنند و قرار است ۱۲۰ تن از این کارگران در آینده اخراج شوند. شهرستان زرنند در ۷۵ کیلومتری کرمان قرار دارد و شهرستانهای زرنند، کوهبنان و راور از قطبهای اصلی تولید زغال سنگ ایران است.

*شماری از کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین که حقوق مرداد، شهریور و مهر را دریافت نکرده اند در پی تداوم بی‌توجهی کارفرما به پرداخت مطالباتشان و همچنین اخراج دو نفر از همکارانشان صبح روز سه شنبه ۶ آبان در محوطه کارخانه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، قرار بود ظرف دیروز و امروز کارفرمای کارخانه شیشه آبگینه

بخشی از مطالبات سه ماهه گذشته کارگران را برای از سرگیری فعالیت مجدد کارخانه پرداخت کند اما هنوز این وعده عملی نشده است. این کارخانه حدود ۱۰۰ کارگر رسمی و ۲۰۰ کارگر قراردادی با سابقه دارد.

*حدود هزار تن از کارگران شرکت مخابرات روستایی روز چهارشنبه ۷ آبان، برای دومین روز پیاپی مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش سایت افق روشن، کارگران خواستار اجرای مصوبه سال ۱۳۸۶ مجلس و قرارداد مستقیم شرکت مخابرات با کارگران هستند.

*جمعی از کارکنان رسمی مجتمع پتروشیمی بوعلی روز سه شنبه ۶ آبان در اعتراض به پرداخت نشدن پاداش بهره وری نیمه نخست سال ۹۳ در محوطه این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مدیریت مجتمع در روزهای اخیر به کارگران گفته بود که از سوی «هولدینگ خلیج فارس» (شرکت مادر تخصصی شرکت ملی صنایع پتروشیمی) به مجتمع پتروشیمی بوعلی هیچ دستوری برای پرداخت پاداش بهره‌وری شش ماهه نخست سال جاری ابلاغ نشده است.

در ادامه این اقدام اعتراضی روز چهارشنبه ۷ آبان نیز جمعی دیگر از کارکنان رسمی این مجتمع تحصن و تحصن کردند.

*جمعی از کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه های در دست احداث منطقه پارس جنوبی عصر روز چهارشنبه ۷ آبان در اعتراض به تعویق چهار ماه حقوق مقابل دفتر یکی از شرکتهای پیمانکاری دست اول این منطقه، (شرکت مدیریت طرحهای صنعتی) تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، معترضان به نمایندگی از حدود ۲ هزار کارگر که حداقل در ۱۰ شرکت پیمانکاری به عنوان کارگر قراردادی مشغول فعالیت اند اقدام به این حرکت اعتراضی کردند.

*به گزارش روز پنجشنبه ۸ آبان ایلنا، کارگران اعتصابی لوله و نورد صفا در ساوه می‌گویند کارفرما نه تنها بیش از یک هفته است که به آنها اجازه ورود به کارخانه را نمی دهد بلکه شماری کارگر افغانی استخدام کرده تا لوله های تولید شده را برای مشتریان بار بزنند. کارفرما مشغول فروش لوله هایی است که در زمان کار کارگران تولید شده اند، آنها در شرایطی که با اعتصاب بیش از هزار کارگر لوله و نورد صفا تولید در این کارخانه متوقف است

*همزمان با چهل و ششمین روز از شروع اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا، روز شنبه ۱۰ آبان کارگران تصمیم گرفتند برای جبران بخشی از مطالبات معوقه ۱۶ ماه گذشته شان،

میوه درختان زیتون محوطه کارخانه را به فروش برسانند. به گزارش ایلنا، با وجود آن که طی هفته گذشته کارگران کاشی گیلانا بخش زیادی از اموال غیر قابل استفاده کارخانه را برای فروش آماده کرده بودند اما هنوز پولی از این بابت به کارگران پرداخت نشده است.

*به گزارش ایلنا، مسئولان شرکت «معدن جو» و بازرس اداره کار شهرستان زرنند روز شنبه ۱۰ آبان با حضور در معدن از کارگران خواستند به کار خود ادامه دهند و زغال سنگ یک ماه آینده را تامین کنند. تعداد زیادی از کارگران بدون در نظر گرفتن مطالبات شان که در چند روز گذشته پیگیر آن بودند، پای برگه قرارداد سفید را امضا کردند.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران نورد لوله صفا روز چهارشنبه ۱۴ آبان بعد از گذشت ۱۷ روز از شروع اعتصاب شان وارد کارخانه شدند و کارفرما مجبور شد برای شکستن اعتصاب کارگران، یک ماه حقوق به حساب آنان واریز کند ولی کارگران حاضر به اتمام اعتصاب نشدند و خواستار مشخص شدن وضعیت حقوقی و بیمه و اشتغال خود شدند و کارفرما بعد از این تصمیم کارگران، کارخانه را تا اطلاع بعدی تعطیل اعلام کرد. به دنبال پایداری کارگران و بعد از جدالهای طولانی، کارگران با قائم مقام شرکت به توافقاتی دست یافتند و سرانجام کارگران در بعد از ظهر روز شنبه ۱۷ آبان پس از ۲۰ روز به اعتصاب پایان دادند

*به گزارش ایلنا، روز شنبه ۱۷ آبان، همزمان با پنجاه و سومین روز از شروع اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا، مبلغ ۱۰۰ هزار تومان از ۱۶ ماه مطالبات معوقه کارگران با فروش بخشی از اموال کارخانه، به ۱۲۸ کارگر پرداخت شد.

*کارگران کارخانه روغن نباتی قو روز یکشنبه ۱۸ آبان در اعتراض به پرداخت نامنظم حقوق طی دو ماه اخیر در

محوطه این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت؛ امروز دومین روزی است که حدود یکصد تن از کارگران شاغل و بازنشسته در اعتراض به نحوه پرداخت مطالبات مزدی خود در مقابل محوطه ورودی کارخانه تجمع می کنند.

*روز یکشنبه ۱۸ آبان کارگران شهرداری شادگان در اعتراض به عدم دریافت ۳ ماه حقوق معوقه دست از کار کشیدند. به گزارش فارس، به دنبال اعتراض کارگران شهرداری، خیابانها و معابر شهر شادگان در انبوهی از زباله فرو رفت.

روز سه شنبه ۲۰ آبان، کارگران شهرداری شادگان به دنبال برکناری شهردار و تعیین سرپرست جدید شهرداری به اعتصاب خود پایان دادند.

*کارگران کارخانه سیمان لوشان روز چهارشنبه ۲۱ آبان در مقابل ساختمان فرمانداری رودبار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کارگران در اعتراض به تعطیلی کارخانه در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان (به عنوان سهام دار اصلی کارخانه) در تهران برگزار شد و رئیس بنیاد مستضعفان پس از شنیدن مشکلات این واحد تولیدی وعده پیگیری مطالبات کارگران را داد.

*جمعی از کارگران کارخانه تولید نخ بهرپس واقع در شهرک صنعتی راوند کاشان، از روز سه شنبه ۲۰ آبان تا شیفیت صبح روز پنجشنبه ۲۲ آبان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان دست به اعتصاب زدند. به گزارش سایت سازمان مجاهدین خلق، این کارگران پیش از این نماینده ای را برای مذاکره با گردانندگان کارخانه تعیین کرده بودند تا حقوق شان را دریافت کنند.

*کارگران پتروشیمی ایلام در روز یکشنبه ۲۵ آبان در اعتراض به ادامه معانعت کارفرما از ورود به کارخانه و عدم پرداخت مطالبات ۵۰ میلیون تومانی آنها، در مقابل مجلس

بقیه در صفحه ۱۶

شدند و کارفرما چند روز بعد از اخراج حدود ۱۰۰ کارگر جدید را به بهانه کمبود نیروی انسانی سریعاً استخدام کرد.

*روز دوشنبه ۲۶ آبان، کارکنان تعاونی مسکن وزارت جهاد کشاورزی در اعتراض به عملکرد اداره تعاون استان تهران در مقابل ساختمان وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از نمایندگان معترض گفت: ما در اعتراض به عملکرد نادرست اداره تعاون استان تهران که با انتصاب افراد غیر عضو در سمت هیات مدیره تعاونی مسکن کارکنان وزارت جهاد کشاورزی مشکلاتی را برای اعضای اصلی ایجاد کرده اند تجمع کردیم.

*پیش از ظهر روز دوشنبه ۲۶ آبان، ساکنان مسکن مهر ضیا آباد اسلامشهر در اعتراض به وضعیت نامطلوب این شهرک تجمع کردند. به گزارش مبصر، مشکل جاده این شهرک برجسته ترین مشکل مردم به شمار می رود. تکمیل نشدن بیمارستان شهرک مسکن مهر و نبود فضای سبز نیز بخش دیگری از مشکلات اهالی این محله است، ضمن این که دانش آموزان این شهرک به جز محصلان مقطع ابتدایی برای تحصیل باید راهی مدارس سایر مناطق شهرستان شوند.

*صبح روز سه شنبه ۲۷ آبان، روستائینان «گردو کنگک تنگ سرخ بویراحمد» در استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به اداره کل امور آب این استان اقدام به صدور مجوز آب سرچشمه جهت طرح پرورش ماهی کرده، برای دومین بار در یک ماهه اخیر، در مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع اعتراض

آمیز معترضان تاکید داشتند تا زمان دریافت نتیجه محل استانداری کهگیلویه و بویراحمد را ترک نمی کنند. تجمع کنندگان از بازداشت چهار نفر از روستائینان «گردو کنگک تنگ سرخ» نیز ابراز نگرانی کردند و خواستار آزادی آنان شدند.

*روز پنجشنبه ۱۷ آبان، روز ۶۵ از شروع اعتصاب کارگران کارخانه کاشی گیلانا گذشت.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران

در آبان ۱۳۹۳

بقیه از صفحه ۱۵
تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارفرمای پتروشیمی ایلام علی رغم حکم اداره کار مبنی بر بازگشت به کار کارگران از ورود آنان به کارخانه ممانعت می کند.

*روز یکشنبه ۲۵ آبان، هزار کارگر ساختمانی در اعتراض به تغییر قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران معتقدند تلاش مجلس برای تغییر قانون بیمه آنها برای حمایت از انبوه سازان و بساز و بفروشها انجام می گیرد. در صورت اعمال تغییرات مورد نظر در قانون بیمه کارگران ساختمانی، اگر چه در ظاهر بستری برای بیمه این کارگران فراهم است اما به دلیل ساز و کار غیر قابل اجرای دریافت حق بیمه سهم کارفرما، علاوه بر آن که عملاً هیچ کارگر ساختمانی جدیدی بیمه نخواهد شد، حدود ۴۰۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه شده، بیمه خود را از دست خواهند داد.

*روز دوشنبه ۲۶ آبان، شماری از کارگران پتروشیمی ایلام در اعتراض به دریافت نکردن پنج ماه حقوق و همچنین از دست دادن شغل شان در مقابل ساختمان دیوان عدالت اداری در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: ۷۰ تن از کارگران پتروشیمی ایلام با سوابق کاری ۲ تا ۱۰ سال در تاریخ ۷ مرداد بدون هیچ دلیل موجهی اخراج



Photo: Ilina

Iranian Labour News Agency

درگذشت

مجاهد قهرمان، میر یعقوب ترابی



به گزارش سایت همستگی ملی، مجاهد خلق میر یعقوب ترابی، از افسران ارشد ارتش آزادیبخش ملی و کادرهای ارزنده سازمان مجاهدین خلق ایران، پس از سه دهه پیکار آزادی، روز جمعه ۱۶ آبان ۹۳ در اثر ایست قلبی در پاریس درگذشت. میر یعقوب ترابی، متولد ۱۳۳۱، فوق لیسانس رشته مدیریت از دانشگاه کنکور دیا در مونترال کانادا بود.

پهلوان ارتش آزادی، در تمام نبردهای ارتش آزادیبخش از جمله سلسله عملیات بزرگ آفتاب، چلچراغ، فروغ جاویدان و نبردهای مروارید، شرکت داشت و سه نوبت پیاپی از ناحیه گوش، کتف و پا مجروح شده بود. با این همه در سالهای پایداری اشرف و کارزارهای درخشان ایستادگی و مقاومت، همچنین در مسابقات ورزشی و جشنواره های مهرگان و سیمرغ، پیوسته میداندار و کیاده کش سرفراز ورزش باستانی بود و رسم جنگاوری و رادمردی را به جا می آورد.

یادش گرامی باد.

درگذشت مجاهد خلق فریده ونایی در آلبانی



روز چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۳، مجاهد خلق فریده ونایی از مسئولان سازمان مجاهدین خلق ایران، از فرماندهان ارتش آزادیبخش ملی و عضو شورای ملی مقاومت ایران، پس از یک عمل سنگین جراحی، در اثر ایست قلبی در بیمارستان در آلبانی درگذشت. به گزارش سایت سازمان مجاهدین خلق، مجاهد خلق فریده ونایی متولد ۱۳۴۲، زندانی سیاسی با ۳۶ سال سابقه مبارزاتی و تشکیلاتی، در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ دو بار دستگیر و بیش از ۴ سال در شکنجه گاههای اوین و قزل حصار مقاومت کرد در حالی که به طور مستمر تحت انواع فشارها قرار داشت.

وی در سالهای پایداری و محاصره ضدانسانی در اشرف و لیبرتی از بیماری سرطان رنج می برد و دژخیمان مالکی تا آنجا که توانستند در معالجه و مداوای او کارشکنی و اخلال کردند و شکایت های مجاهدین به سازمان ملل و مقامات آمریکایی در این باره به جایی نرسید. سرانجام، این مجاهد صبور و مقاوم، با تلاش های بی وقفه و کلا و مشاوران حقوقی و نمایندگان اشرف و لیبرتی، در مارس ۲۰۱۴ (اواخر اسفند ۹۲) برای معالجه به آلبانی منتقل شد و چهار بار پیاپی در بیمارستان بستری گردید. در آخرین نوبت که ۱۶ روز طول کشید به مدت ۷ ساعت تحت عمل سنگین جراحی قرار گرفت اما پس از عمل، در اثر ایست قلبی درگذشت. یادش گرامی باد.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- "من پرنسپهای محکمی دارم. اگر از آنها خوشتان نمی آید، پرنسپهای دیگری هم دارم" (گراشاو مارکس، ۱۹۷۷ - ۱۸۹۰، هنرپیشه و کم‌دین آمریکایی)
ما معتاد افکار خود هستیم، اگر نتوانیم افکارمان را تغییر دهیم، هرگز نخواهیم توانست چیزی را تغییر دهیم" (ستاش کالوار، شاعر، نویسنده و محقق نیالی)

نقاشی

نمایشگاهی از آثار کامبیز درم بخش

نمایشگاهی از آخرین مجموعه آثار کامبیز درم بخش با عنوان "هنرهای تبسمی روز" که شامل ۳۰ اثر رنگی، سیاه و سفید و کلاژ به روی کاغذ و یک اثر به روی بوم است، به نمایش در می آید.

کامبیز درم بخش طراح و کاریکاتوریست و یکی از مطرح ترین و پرکارترین هنرمندان حوزه هنرهای تجسمی در ایران است. او درباره آخرین مجموعه آثارش گفته است: "سعی کردم با نگاهی متفاوت و



طنز آمیز در باره موضوع لبخند کار کنم."

خطهای خستگی ناپذیر و ساده، رقصنده، روان و نرم در کنار خطوطی پر از هیجان و گاهی پر تنش اما با هماهنگی کامل در موضوعات مختلف از ویژگیهای طرحهای او به حساب می آید.

کامبیز درم بخش در بیشتر آثارش با طرح موضوعات به ظاهر ساده و روزمره، بیننده را وادار می کند تا به وضعیت انسان امروزی و مفاهیم عمیق جهان شمول فکر کند.

موسیقی.....

پینک فلوید پس از ۲۰ سال، صدرنشین جدول پرفروشهای بریتانیا شد



تازه ترین آلبوم گروه موسیقی "پینک فلوید" در صدر جدول پرفروشهای بریتانیا قرار گرفت. این آلبوم که "رودخانه بی پایان" (Endless River) نام دارد،

بیست سال پس از انتشار آخرین آلبوم این گروه بازار آمده است.

در سال ۱۹۹۴ پینک فلوید با آلبوم "ناقوس جدایی" (Division Bell) در صدر این جدول قرار گرفته بود. یک سال بعد آلبوم "پالس" که حاوی اجرای زنده این گروه بود نیز صدرنشین جدول شد. "رودخانه بی پایان" به "ریچارد رایت"، نوازنده کیبورد این گروه که در سال ۲۰۰۸ درگذشت، تقدیم شده است.

آلبوم جدید پینک فلوید بر اساس آهنگهای منتشر نشده ناقوس جدایی تهیه شده است. "دیوید گیلور"، نوازنده گیتار و خواننده گروه، پیشتر گفته بود که "رودخانه بی پایان" آخرین آلبوم این گروه خواهد بود.

پانزدهمین آلبوم پینک فلوید که هفتم نوامبر در بریتانیا منتشر شد، در یک هفته حدود ۱۴۰ هزار نسخه به فروش رفت.

ریچارد رایت (ریک)، "راجر واترز"، "سید برت" و "نیک میسون" که همه در دانشگاه کمبریج درس می خواندند، در سال ۱۹۶۵ گروه پینک فلوید را پایه گذاشتند. در سال ۱۹۶۸ دیوید گیلور جایگزین سید برت شد. آخرین باری که این چهار نفر با هم بر روی صحنه رفتند، در جریان کنسرت "لایو - آید" در تابستان سال ۲۰۰۵ بود.

در سالهای گذشته، راجر واترز به صورت انفرادی و اعضای دیگر در قالب گروه پینک فلوید جداگانه کنسرت برگزار کرده اند که در هر دو مورد با استقبال زیادی رو به رو شده است.

استفاده از عناصر موسیقی سمفونیک و تلفیق آن با موسیقی الکترونیک و موسیقی ای که آنها خود نام "کانکرت" بر آن گذاشتند (صداها ساعت، هواپیما و غیره)، همراه با اشعار تیز و گستاخانه که غالب آنها را واترز می سرود، نام و جایگاه این گروه را در جهان موسیقی تثبیت کرد.

"کاش اینجا بودی"، "نیمه تاریک ماه" و "دیوار" از مشهورترین آلبومهای این گروه است که از سوی کارشناسان به عنوان تاثیرگذارترین آلبومهای موسیقی راک در قرن بیستم معرفی می شود.

واکنش غیر منتظره به مرگ مرتضی پاشایی



مرتضی پاشایی، خواننده ۳۰ ساله به علت ابتلا به سرطان در گذشت. از یکسو مرگ او طرفدارانش را شوکه کرد، به طوری که به طرز غیر منتظره ای برای مرگ وی سوگواری کردند. از سوی دیگر، هجوم جمعیت در مراسم خاکسپاری او و دیگر مراسمی که به مناسبت مرگ وی ترتیب داده شده بوده، موضوع غیر منتظره و حیرت انگیز دیگری بود. بهر جهت، واکنش سریع و همه گیر جامعه به این رویداد چشمگیر بود.

مرتضی پاشایی خواننده ای بود که نزدیک به چهار سال قبل، فعالیتش را به صورت اینترنتی و زیرزمینی آغاز کرد و پس از آن موفق شد برای کارهایش مجوز بگیرد و حتی در صفحه تلویزیون ظاهر شود.

وضعیت زنان نوازنده و خواننده از این هم بدتر است، چرا که آنان اجازه فعالیت حرفه ای ندارند. در سی و شش سال گذشته نادر کنسرتهای زنانه و خصوصی با مخالفتهای سفت و سخت نیروهای مذهبی و حکومتی روبرو بوده و حتی موضوع به صحن مجلس کشیده شده است.

با همه این محدودیتها حضور وسیع مردم در میدانهای شهرها و خواندن ترانه های پاشایی با صدای بلند در ماه ممنوعه محرم چشمگیر است.

جمعیت برای تشییع پیکر او مقابل تالار وحدت جمع شدند و کماکان با وجود فضای امنیتی موجود بر پیکر او اشک ریخته و بدرقه اش کردند. اگر چه این واکنش در سطوح دیگری برای هنرمندان و در آخرین نمونه در مرگ سیمین بهبهانی نیز دیده شده بود. واکنش مردم نشاندهنده شکاف میان حکومت و خواست جامعه ایران است.

خواننده کوچه بازاری مصری مورد خشم داعش قرار گرفت



"شعبان عبدالرحیم" که یک خواننده کوچه بازاری مصری است، به تازگی آهنگی در انتقاد از گروه "دولت اسلامی" موسوم به "داعش" و "ابوبکر البغدادی"، خلیفه خودخوانده آن، منتشر کرده. وی در این ترانه به البغدادی لقب "امیر المجرمین" داده است.

انتشار این آهنگ باعث شد که شعبان عبدالرحیم هدف حملات سایتهای مرتبط با داعش قرار بگیرد و مفتیهای مرتبط با این گروه تندرو، حکم "مهذور الدم" بودن او را صادر کنند.

عبدالرحیم در پاسخ به این فتوا تنها می گوید: "خدا بزرگ است".

او گفته است: "همانطور که ترانه "از اسرائیل متنفرم" را خواندم و از کسی ترسیدم، به خاطر خواندن این ترانه نیز از کسی نمی ترسم."

فیلم

تاثیر ممنوعیت نمایش فیلمها بر موفقیت آنها در گیشه

تام بروکس منتقد فیلم - نیویورک: امسال شاهد ممنوعیت اکران تعداد زیادی از محصولات سینمایی بودیم.

اوایل امسال چندین کشور خاورمیانه اکران فیلم جدید "نوح" را به خاطر "تضاد آن با تفاسیر رایج در قرآن و انجیل" ممنوع کردند. ترکیه اکران اثر جدید "لارس فون تریه" به نام "نیمفومانیاک" را به خاطر صحنه های عیان رابطه جنسی ممنوع کرد و آن را در دسته فیلمهای پورنوگرافیک قرار داد.

در این موج ممنوعیت، فیلمهای مستند نیز هدف قرار گرفته اند. به عنوان نمونه فیلم مستند "میدان" که در آن زندگی تعدادی از افراد فعال در جنبش میدان تحریر قاهره به تصویر درآمده، در خود مصر اجازه نمایش پیدا نکرد.

اما ممنوع شدن نمایش یک فیلم روی موفقیت تجاری آن چه تاثیری می گذارد؟

بقیه در صفحه ۱۸

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۷

"نوا جیتل"، منتقد فیلم در مجله آمریکایی "اتلانتیک"، می گوید: "ممنوع کردن نمایش یک فیلم در حقیقت تبلیغات مجانی برای آن اثر سینمایی است. اگر رسانه ها این موضوع را برجسته کرده و فیلم را جنجالی و بحث برانگیز معرفی کنند، باعث تحریک کنجکاوی مردم خواهد شد که می خواهند بدانند این همه جار و جنجال برای چیست."

پروفسور "وینسون دیکسون"، استاد رشته فیلم و سینما در دانشگاه لینکلن آمریکا نیز با این نظر موافق است و می گوید: "ممنوع شدن و سانسور یک فیلم بهترین روش برای تمایز آن از دیگران و جلب توجه است."

یک نمونه برجسته آن فیلم جعفر پناهی با عنوان "این یک فیلم نیست"، محصول ۲۰۱۱ بود که زندگی او در شرایط حبس خانگی در تهران را بازگو می کند.

ابتکار جدید هنرپیشه آمریکایی



گرفتن نقش اول فیلم در سینمای هالیوود برای زنان همواره مشکل بوده است. زمانی که زنان هنرپیشه از مرز ۳۰ سالگی می گذرند، مشکل افزوده تر می شود. از این روست که "ریس ویتز سپون" که در نقش "زب" در فیلم "لیگالی بلاند" به شهرت رسید، تصمیم می گیرد به فکر چاره باشد.

ریس خود اقدام به تهیه فیلم می کند. اولین فیلم از این نوع به نام **Gone Girl** که در آن یک زن نقش اول و پر قدرتی دارد و زندگی او پس از جدایی از همسر را به تصویر می کشد، ۳۰۵ میلیون دلار فروش می رود. این رقم چشمگیری است. فیلم بعدی او **Wild** است که نمایشی از زندگی واژگون شده زنی است که تصمیم به سفر کوهنوردی می گیرد. این فیلم از پیش سر زبانها افتاده و منتقدین معتقدند که جایزه اسکار را نصیب این هنرپیشه که در این فیلم خود نقش اول را دارد، کند.

شعر.....

عاشقانه زیستن

رضا بی شتاب

به درد زمانه دوایی
درین تیرگی روشنایی
چه هنگامه انگیزی ای عشق!
ندانم که ای از کجایی
تو دریای رنگین کمانی
ز نیرنگ دوران جدایی
تو آن نازنین جاودانی
غریبی شگفت آشنایی
تو جادوگری بی هیاهو
به چشم جهان ماجرابی
تو سرمایه ای رایگانی
تو از سود و سودا سوایی
تو همراه افتادگانی
به خلوتگه جان ندایی

مزدوران ولی فقیه مدافعان حقوق بشر را مسئول اعدام ریحانه می دانند

زینت میرهائمی

حقوق بشر همواره پیکر لرزان جمهوری اسلامی را بیش از هر هنگام به چالش کشیده است. همه جنایتهای داعش که نفرت همگانی را بر می انگیزاند، طی ۳۵ سال بر مردم ایران روا شده است. فشار بر رژیم ولایت فقیه برای رعایت حقوق بشر محصول یک جنگ خونین انسانیت با بربریت است.

رسیدن این جنگ به نقطه امروزی بهای سنگینی بر مردم ایران تحمیل کرده است. داعشیهای ولایت فقیه هیچ سر آشتی با حقوق بشر ندارند و هرگز نخواهند داشت و گرفتن ژست حقوق بشر اسلامی دیگر کسی را فریب نمی دهد. سیخن پراکنیهای جواد لاریجانی، دبیر ضد حقوق بشر رژیم در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل، در دفاع از قصاص، اعدام و منت گذاشتن بر سر کشورهای دیگر، توهین به حقوق بشر، انسانیت است.

جمهوری اسلامی نه تنها هیچکدام از مواردی را که ۴ سال قبل به رعایت آن متعهد شده بود انجام نداد، بلکه سرکوبگری، جنایت و اعدام را افزایش داده است. دبیر ضد حقوق بشر ولی فقیه بی شرمانه از قانون قصاص و اعدام در ایران دفاع کرده و قصاص ریحانه جباری را به گردن رسانه ها و مدافعان حقوق بشر انداخت. متأسفانه سازمان ملل در رابطه با عدم رعایت حقوق بشر هیچ تنبیهی را انجام نمی دهد و رعایت توصیه ها را به ۴ سال دیگر واگذار می کند. مبارزه با داعش و جنایتهای این گروه با سکوت در مقابل رفتارهای ضد بشری داعشیهای حاکم بر ایران معنا پیدا نمی کند.

کسانی که در جریان سر به دار شدن ریحانه جباری، مدافعان حقوق بشر، رسانه و نیروهای اپوزیسیون را مقصر می دانند، حقوق بشرشان مانند لاریجانی بوی گند می دهد.

در رویدادی دیگر پلیس جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۰ آبان دستگیر شدگان در حرکتیهای اعتراض علیه اسید پاشی را «ضد انقلاب» اعلام کرد. این جنایتکاران فضا را به گونه ای می چرخاند که موضوع اسید پاشی به فراموشی سپرده شود. تمامی حرفهای پایوران رژیم، به شمول چرندیات انصار حزب الله در روز آدینه ۹ آبان در قدردانی از مجلس، تشدید خشونت و زمینه سازی اسید پاشیهای دیگر را فراهم می کند.

فراسوی خبر یکشنبه ۱۱ آبان

چراغ سبز مجلس ارتجاع به "آمران به معروف و ناهیان از منکر" برای تبهکاری

لیلا جدیدی

در همان زمان که زنان و مردان ایرانی دست به اعتراض علیه جنایت بی شرمانه اسید پاشی زده و مسوولیت حکومت در این عمل تبهکارانه را گوشزد می کنند، مجلس ارتجاع مشغول افزودن و تصویب بندهای بیشتری به "طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر" است.

بر اساس ماده ۷ این طرح، افرادی که اقدام به دفاع از خود در برابر مهاجمان می کنند، مجرم هستند و جرم آنان قابل "تعویق، تخفیف یا تعلیق" نیست. بدینگونه رژیم ولایت فقیه تهاجم جنایتکارانه اوباش به زنان و جوانان را رسمی و قانونی می کند.

اما موضوع به همین جا ختم نمی شود؛ نمایندگان ولی فقیه، برای آرامش خاطر مجریان قوانین تبهکارانه خود، آنها را بیمه حوادث هم کرده اند. در صورتی که مجریان امر به معروف در جریان ماموریت جراحی پیدا کنند، می توانند از مزایای "صندوق ایثارگری" بهره مند شوند.

در حال حاضر نمایندگان فاشیسم مذهبی جمهوری اسلامی قصد دارند ماده ای دیگر نیز برای سازمان دادن بیشتر جنایت علیه مردم بر طرح مزبور بیفزایند. براساس ماده هشتم طرح آنها، "آمران به معروف و ناهیان از منکر" می توانند وارد "عملیات و اقدام جمعی" شوند. این بدان معنا است که از این پس "ستاد امر به معروف و نهی از منکر" می تواند با درخواست سه نفر، مجوز تجمع و اقدام عملی جمعی را صادر کند.

جمهوری اسلامی کاملاً عکس قوانین بین المللی در حمایت از شهروندان عمل می کند. طرحهای مجلس ارتجاع صد درصد نقطه مخالف قوانین جوامع مدنی و مدرن بشری است. در هیچ کشوری ایجاد مزاحمت خیابانی و شرارت فیزیکی علیه شهروندان قانونی نمی شود و قانونگذاران آن اینگونه بطور علنی از مجرمین به جای قربانیان حمایت نمی کنند.

به پشتیبانی از مردم ایران و زنان و جوانان ایرانی در هر جای جهان که هستیم، دست به اعتراض و افشاگری بزنیم.

فراسوی خبر... شنبه ۳ آبان



گهی پر تلاطم چو شوقی
گهی چون گمان ناکجایی
نهانی، تو راز مگوی
سکوتی و پرگو صدایی
تو پیری جوانی و رعنا
تو بی چون و هم بی چرابی
اگر جان ز تن می ستانی
تو جانبخش شیدا خدایی
به دل لرزشی ناگهانی
تو جان گیر و هم جان فرایی
به انگشتر روزگاران
تو یکتا نگین دلربایی
جفا گر جهان را بسوزد
رفیقی تو آن با وفایی
دمی بی تو بودن نشاید
هماره تو با ما و مایی

پیامهای انتخاب یک "فرنگی کار" رسانه ای به ریاست "صداسیما"

منصور امان

آیت الله علی خامنه ای با برگماری یک فرد تحت تحریمهای بین المللی به ریاست رادیو و تلویزیون دولتی، به مخاطبان خارجی و رقیبان داخلی اش علامت می دهد که همچنان و با وجود "نرمش قهرمانانه"، لگام اوضاع را در دست دارد و به شل کردن آن فکر نمی کند.

در این راستا، انتخاب آقای محمد سرافراز، یک "فرنگی کار" رسانه ای که به دلیل مشارکت در پروژه های امنیتی اعتراف گیری در لیست سیاه اتحادیه اروپا قرار دارد را می توان گزینشی آگاهانه ارزیابی کرد که نخست، عزم "رهبر" باند ولی فقیه برای تداوم کارکرد و سیاستهای شناخته شده بلندگویی تبلیغاتی "نظام" را نمادینه می کند و سپس، استراتژی آقای خامنه ای و شرکا را در بستن فضای جامعه و تولید خفقان به جلو می برد.

تدبیر مزبور پس از ناگزیر شدن آنها به عقب نشینی در برابر طرفهای خارجی، جایگاه ویژه و حیاتی برای جلوگیری از سرایت آثار آن به داخل یافته است.

از نگاه کلی، جانشین کردن دولوی آقای ضرغامی به عنوان رییس "صداسیما"ی حکومت، تأکیدی دیگری بر نقش ابزاری و مالکیت انحصاری این وسیله تبلیغاتی است. از همان هنگامی که "نظام" بر رادیو و تلویزیون تسلط یافت، آن را به بلندگویی خصوصی "خودپها" برای تبلیغ و ترویج اهداف و دیدگاه های حکومت و نیز کانالی امنیتی برای صحنه سازی، نشر و پخش جعلیات و خاک پاشیدن به چشم مردم تغییر کارکرد داد. سازگار با این وظایف، مسوولین این مجموعه نیز از میان مظهر های نظامی - امنیتی برگزیده شده اند، آنچه که انتخاب آقای سرافراز زیر آن خط تأکید کشیده است.

در همین حال به موازات شدت گرفتن جدالهای درونی دستگاه قدرت، دایره انحصار در نگاه "صداسیما" نیز کوچک و کوچک تر شده و با هر دور تازه شکمشک، لایه های بیشتری از "خودپها" بیرون از آن قرار گرفته اند و در مقابل نفوذ و کنترل آیت الله خامنه ای و باند او گسترش یافته است. تعیین یکجانبه جانشین آقای ضرغامی بدون به حساب آوردن نگرانیهای از پیش اعلام شده شریک جدید در هیات حاکمه، "دولت اعتدال"، این موقعیت ممتاز را مادی کرده و به رخ می کشد.

فراسوی خبر ... چهارشنبه ۲۱ آبان

درنامه مجلس نشینان از صدای زن

زینت میرهاشمی

تهدیدهای مجلس نشینان این بار تک نوازان زن را نشانه گرفت. نامه تعدادی از بینادگرایان مذهبی به دولت روحانی در رابطه با تک نوازی زنان، به اسیدپاشان جهت را نشان داد.

تعدادی از اعضای مجلس رژیم روز شنبه ۱۰ آبان طی نامه ای به دولت حسن روحانی رنج و ناراحتی خود را از آواز خوانی زنان بیان کرده و تهدید کردند که اگر دولت به «دغدغه های» امضا کنندگان رسیدگی نکند، «مجلس از اختیارات و حدود قانونی خود برای حل و بررسی این مشکل استفاده خواهد کرد.» (مهر)

البته مجلس نشینان نوع «حدود قانونی» را روشن نکردند و از «چوب تر» و «اسید» حرفی نزدند بلکه شیوه اعمال خشونت علیه تک نوازان زن را به انصار حزب الله و لباس شخصیهای موتور سوار محول کردند. عده ای در مجلس قانون می آفرینند، عمامه داران از منبرهای رنگارنگ، خشونت بر زنان را مقدس می شمارند و در انتها عده ای لمپن و مزدبگیر خشونت تقدیش شده را اجرایی می کنند. این سلسله رویداد تا روزی که بنیادگراهای داعشی بر ایران حاکم هستند جریان خواهد داشت.

یک عضو مجلس از شهر ورامین در گفتگو با خبرگزاری حکومتی مهر در رابطه با فعالیتهای زنان در موسیقی گفت: «تک نوازی و خوانندگی زنان یکی از حرمتیهایی است که در کشور شکسته شده و این موضوع ضد باورها و ارزشهای دینی مردم ایران است.» همین گونه سخن پرآکنیهاست که تحمل زن غیر متحجر را بر نمی تابد و وظیفه دینی خود برای حفظ ارزشهای ولایت فقیه را با اسید پاشی یا کشتن ادا می کند. جلوگیری از اجرای کنسرتهایی که در آن نوازندگان زن وجود دارند، مانند کنسرت گروه موسیقی «عرفان» در اصفهان، از طرف مسئولان رژیم، خشونت انصار حزب الله و لباس شخصیها علیه زنان در خیابان را نهادینه می کند.

در رویدادی دیگر وزارت اطلاعات ملاها در بندرعباس، در نمایشگاهی به مناسبت جنایتهای ۳۰ ساله این وزارتخانه، «با گذاشتن پوسترها و تصاویری از بزرگان سلسله نعمت الهی»، دراویش گنابادی را «ظالمه» و در ارتباط با «بیگانه» معرفی کرد. (وبگاه مجذوبان نور).

تمامی گفتار، سیاست و عملکرد نهادهای رژیم تولید خشونت علیه زنان، اقلیتهای مذهبی، روشنفکران و دگر اندیشان است. تنها چاره رفع خشونت علیه مردم، سرنگونی ولایت پلید خامنه ای است.

فراسوی خبر دوشنبه ۱۲ آبان

سابقه حقوق بشر رژیم ایران مورد حمله قرار گرفت

تلویزیون فاکس نیوز طی گزارشی در مورد اعدامها در ایران گفت: دوشنبه ضرب الاجل رسیدن به یک معامله است که برنامه هسته ای ایران را منجمد و در ازای آن تحریمها برداشته شود. اما منتقدان می گویند سابقه وحشتناک حقوق بشر رژیم ایران، ناپستی طی مذاکرات فراموش شود و بایستی در هر توافقی مورد نظر قرار گیرد. اریک شاون از نیویورک به ما می پیوندد و به این موضوع نگاه می کند.

اریک شاون: مذاکرات هسته ای ایران، امروز در وین ادامه پیدا می کند. منتقدین می گویند آمریکا و متحدان آن خون ایرانیان اعدام شده را نادیده می گیرند. بنا به گفته گروه حقوق بشر ایران، حلق آویز در ملامع، شکنجه و تحت تعقیب قرار دادن مسیحیان و سایر اقلیتهای مذهبی به اوج رسیده است. این گروه می گوید اعدامها در سال گذشته دو برابر شده است و به نزدیک سالانه ۷۰۰ اعدام رسیده است. احمد شهید، نماینده ویژه سازمان ملل که در مورد سابقه حقوق بشر رژیم ایران تحقیق می کند، بارها توسط رژیم ایران حتی برای ورود به کشور منع شده است.

احمد شهید: حق زندگی در این کشور محترم شمرده نمی شود. مردم هر لحظه برای جرائمی که جدی تلقی نمی شوند ممکن است اعدام شوند و این شامل مخالفان سیاسی می شود.

اریک شاون: اپوزیسیون ایران می گوید که این کشتار نه تنها بایستی بخشی از گفتگوها باشد، بلکه تهران بایستی به دلیل این جنایات مورد حسابرسی قرار گیرد. رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، مریم رجوی، می گوید: «سابقه وحشتناک حقوق بشر رژیم ایران باید به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شود... مذاکرات هسته ای ناپستی بهانه ای برای چشم بستن به نقض آشکار حقوق بشر در ایران باشد...»

منبع: همبستگی ملی

۱۸ نوامبر ۲۰۱۴ - ۲۶ آبان ۱۳۹۳

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا

جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور

امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه،

مهدی سامع

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه
فرانسه ۲۰ یورو
اروپا معادل ۲۴ یورو
آمریکا و کانادا ۳۶ یورو
استرالیا ۴۰ یورو
تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی
اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای

روز ایران و جهان، تحلیل مسائل

روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 353 22 November 2014 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION



محاصره کمپ لیبرتی - محاصره کوبانی

لیلا جدیدی

شورای ملی مقاومت ایران، ۵۳ تن از بیماران مبتلا به بیماریهای چشم، در نوبت عمل هستند که به خاطر کارشکنیهای نیروهای عراقی به بیمارستان منتقل شده اند.

در همین رابطه در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۹۳ انجمن جهانی پزشکی که مهم ترین ارگان پزشکی بین المللی و اتحادیه تمامی سازمانهای نظام پزشکی در کشورهای گوناگون است، از "شرایط نگران کننده درمانی" در کمپ لیبرتی به شدت ابراز نگرانی کرد.

مفاد ۹ سند جنایت علیه بشریت در اشرف و لیبرتی به امضای مالکی که با سربرگ رسمی جمهوری عراق - دفتر نخست وزیر در بیت خامنه ای، وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران آرشو شده و توسط کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران افشا شده، سرسپاری مالکی به خامنه ای و توطئه علیه ساکنان لیبرتی را بار دیگر آشکار کرده است. این ۹ سند که به امضای مالکی طی دو ماه در فاصله اول اکتبر تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ (۹ مهر تا ۹ آذر ۱۳۹۲) رسیده، از دسیسه های مشترک خامنه ای - مالکی پرده برداشته است.

برای نمونه در سند "به کلی سری" اول اکتبر ۲۰۱۳ (۹ مهر ۹۲)، رونوشت به مشاور ویژه امنیتی، مالکی مقرر می کند که افراد فرماندهی و دست اندرکار حفاظت لیبرتی باید هر چه سریع تر "کلیه الزاماتی را که باعث بستن زندگی و روشهای ترساندن اعضای خلق [سازمان مجاهدین خلق] می شود بکار بگیرند". در ادامه تاکید می شود، باید از بازدیدهای رسمی خارجی از لیبرتی نیز جلوگیری کرد تا بر آنها فشار آورده شود.

رفقا، دوستان، یاران، ایرانیهای عدالتخواه و سازمانها، گروه ها و انجمنها و تشکلهای! به روی این جنایتهای ضد انسانی هرگز نباید چشم بست. قتل عام تدریجی و زجر کش کردن ساکنان زندان لیبرتی، ادامه سیاست ۳۵ ساله رژیم جمهوری اسلامی در حذف سیاسی و فیزیکی مخالفان و منتقدان است که از کتک زدن دختران و پسران جوان در خیابانها آغاز و تا اعدامهای دستجمعی جلو رفته است.

حمایت ایرانیان از مبارزات کوبانی در دفاع از حقانیت، عدالت و حقوق بشر چشمگیر بوده است. جمهوری اسلامی در درنده خویی و ارتکاب به جنایت در داخل و خارج ایران علیه مردم و مخالفانش چند گام از همپایشان ایدئولوژیک خود، داعش، جلوتر است. آنها کمر همت بسته اند تا ما را خاموش کنند. سکوت نکنیم.

فراسوی خبر ... شنبه ۲۴ آبان

سالهاست که داعشیهای جمهوری اسلامی از طریق عوامل و ارادل خود در عراق دست به کشتار جمعی و تدریجی، نخست در کمپ اشرف و اکنون در کمپ لیبرتی زده اند. این اعمال رذیلانه دستکمی از حملات جنایتکارانه داعش علیه ساکنان کوبانی ندارد. بنا بر گزارشات گوناگون، مزدوران عراقی ولایت فقیه با استفاده از توجه اذنان به سوی داعش، ساکنان لیبرتی را تحت رذیلانه ترین اعمال و فشارهای بیشتری قرار داده اند.



در آخرین گزارشات رسیده، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۹۳ (۱۳ نوامبر ۲۰۱۴) در اطلاعیه ای متذکر می شود: "نیروهای عراقی طی پنج ماه متوالی از در اختیار قراردادن لیفت تراکهای متعلق به ساکنان لیبرتی که برای پیشبرد امور روزانه بدان نیاز دارند، ممانعت می کنند. ساکنان ناگزیر بارهای سنگین را با دست یا بر روی دوش جابه جا می کنند. بر اثر این اقدام ضدانسانی شمار زیادی از ساکنان دچار دردهای کمر، دست و بیماریهای شدید استخوانی شده اند."

این درحالیست که پس از اعتراضهای گسترده ساکنان و نمایندگان آنان، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در ۲۱ آوریل ۲۰۱۴ به طور رسمی اعلام کرد دولت عراق سه لیفت تراک در اختیار آنان قرار خواهد داد؛ امری که هرگز به اجرا در نیامد. بدون شک این رفتار به منظور شکنجه فیزیکی و روحی ساکنان لیبرتی می باشد.

مزدوران عراقی جمهوری اسلامی همچنین از دسترسی بیماران به خدمات درمانی جلوگیری می کنند. برخی از بیماران، از جمله بیمارانی که مبتلا به سرطان هستند و یا نیاز به جراحی دارند، به درمانهای فوری نیاز دارند. بنا به گزارش دبیرخانه

رفیق زهرا آقایی قلهکی

شهادت فدایی آذر ماه

رفقای فدایی: اسدالله بشردوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیکنجه همدانی - زهرا آقایی قلهکی - علیرضا شهاب رضوی - علیرضا بهاریپور - علی عبدالعلی زاده - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چایچی - ناهید ملک محمدی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - ناهید محمدی - محمدعلی پاپویار - مسعود صارمی - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - آذر لطیفی - وحید پیروزنیا - همایون پریزاده - قرنی حسنی - رحمت طالب نژاد - به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

افشای دروغهای رذیلانه

از مدتی پیش فردی به نام امرالله ابراهیمی با ادعای کارشناس «امنیتی»، اقدام به انتشار اکاذیبی در مورد یکی از کادرهای سازمان ما، رفیق امیر ابراهیمی نموده است.

انتشار این گونه جعلیات و دروغهای رذیلانه با هر انگیزه ای که باشد، نتیجه ای جز خوراک رساندن به نهادهای امنیتی استبداد مذهبی حاکم و ایجاد سوووطن در صفوف جنبش مقاومت ایران ندارد.

بدیهی است که با وجود رژیم دیکتاتوری حاکم و در شرایطی که سرکوبی، زندان، شکنجه و اعدام به طور مداوم ادامه دارد، سازمان ما در مورد مکانیسم فعالیتهای خود در داخل ایران اطلاع رسانی علنی نخواهد کرد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن فراخواندن عموم هموطنان به هوشیاری در برابر این دست تحرکات مشکوک، لزوم طرد و انزوای عاملان آن را از محیطهای اجتماعی یادآور می شود.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۳ - ۱۳ نوامبر ۲۰۱۴

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم